

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



انتشارات دانشگاه شیراز

۴۵۳

نخستین دهکده‌های خلیج فارس در هفت هزار سال پیش

نویسندگان:

دکتر علی‌رضا عسکری چاوردی (دانشگاه شیراز)

دکتر کامرون پیتری (دانشگاه کمبریج)

دکتر هیلن تایلر (موزه لندن)

۱۳۹۲

شناسنامه که توسط انتشارات تکمیل می‌شود.

فهرست مطالب

۹	پیش‌گفتار
۱۳	درآمد
۲۷	سکونتگاه‌های پیش‌ازتاریخ در کرانه‌های ساحلی خلیج فارس
۳۳	بررسی سر اورل اشتاین و کاوش‌های تل پیر
۴۴	بررسی‌های باستان‌شناختی نو
۵۴	مجموعه ظروف سفال نخودی منقوش اورل اشتاین از محوطه تل پیر
۵۹	تل پیر و محوطه‌های هم‌افق
۶۱	نقش‌مایه‌های تزئینی
۶۷	ساختار و چگونگی سکونت هزاره پنجم پیش‌ازمیلاد در کرانه‌های خلیج فارس (لامرد و مهر)
۷۴	منابع زیستی
۷۸	کنش‌های اجتماعی
۸۶	تحلیل و نتیجه

٩١

منابع

نمايه‌ها

١٠٣

نمايهٔ مكان‌ها

١٠٥

نمايهٔ اشخاص

فهرست شکل‌ها

- شکل ۱. دهکده‌های نخستین، هفت‌هزار سال پیش (هزاره پنجم پیش‌ازتاریخ) در فارس و کرمان.
- شکل ۲. سفال‌های نخودی منقوش هزاره پنجم پیش‌ازتاریخ، فارس.
- شکل ۳. فرضیه شکل‌گیری جوامع اولیه در ارتباط با مناطق سردسیر، گرمسیر و معتدل در فارس.
- شکل ۴. شکل‌گیری و ارتباط نخستین روستاهای پیش‌ازتاریخ جنوب ایران در بستر طبیعی کوه‌های زاگرس و کرانه‌های خلیج فارس.
- شکل ۵. زاگرس جنوبی و چگونگی مسیرهای ارتباطی بین دشت‌های میان‌کوهی در کرانه‌های خلیج فارس.
- شکل ۶. مسیر بررسی‌های باستان‌شناسی سر اورل اشتاین در کرانه‌های خلیج فارس در سال ۱۳۱۱ و دشت گله‌دار (لامرد و مهر).
- شکل ۷. بررسی‌های باستان‌شناسی آندره ویلیامسون و مارتا پریکت در سال‌های ۱۳۴۷ و ۱۳۵۰ در کرانه‌های ساحلی خلیج فارس.
- شکل ۸. بررسی اشتاین در ساحل گاوبندی، سیراف و دشت‌های پس‌کرانه‌ای گله‌دار، مهر و لامرد.
- شکل ۹. نقشه محدوده روستای هرج و تل پیر (اشتاین ۱۳۱۶، طرح شماره ۱۸).
- شکل ۱۰. محوطه تل پیر در زمان کاوش‌های اورل اشتاین (اشتاین ۱۳۱۶).

- شکل ۱۱. محوطه تل پیر (سال ۱۳۸۶).
- شکل ۱۲. سفال‌های محوطه تل پیر (اشتاین ۱۳۱۶: طرح شماره ۱۸، ۱۹).
- شکل ۱۳. مهرهای هزاره پنجم پیش از تاریخ: تل پیر، تل باکون الف، و فارس (از بررسی‌های اشتاین).
- شکل ۱۴. بررسی‌های باستان‌شناسی فراگیر منطقه لامرد و مهر ۱۳۷۹-۱۳۸۶ (عسکری چاوردی).
- شکل ۱۵. بررسی‌های تکمیلی دشت‌های کرانه‌ای خلیج فارس (اشتاین ۱۳۱۱، عسکری ۱۳۷۹).
- شکل ۱۶. شناسایی محوطه‌های هزاره پنجم پیش از تاریخ در بررسی‌های نوین (عسکری ۱۳۸۶).
- شکل ۱۷. تصویر و نقشه توپوگرافی محوطه تل پیر هرج و ترسیم مکان احتمالی گمانه‌های اشتاین (نقشه‌بردار: استفانو تیلیا، آنجلا بیزارو، ۱۳۸۶).
- شکل ۱۸. سفالینه‌های منقوش از محوطه‌های باستانی تُمب بُت و تل بحر تش گاوبندی (پارسیان).
- شکل ۱۹. سفالینه‌های منقوش محوطه تل پیر هرج (عسکری ۱۳۷۹).
- شکل ۲۰. سفال‌های دوره فراهخامنشی، ساسانی و اسلامی از سطح محوطه تل پیر.
- شکل ۲۱. جدول مقایسه‌ای سفال: نخستین دهکده‌های فارس: تل پیر، تل باکون و تل ریگی.
- شکل ۲۲. محوطه‌های شماره ۵۶ و ۲۰۰، بوشهر، اواخر هزاره پنجم پیش از تاریخ به بعد (کارتر و همکاران ۲۰۰۶).
- شکل ۲۳. تاثیر فرایندهای آبرفتی در پوشش محوطه‌های باستانی و شناسایی آنها با استفاده از تصاویر هوایی (سمت راست) و ژئوفیزیک اکتشافی (سمت چپ)، تنگ بلاغی، فارس (تصاویر از: مرکز اسناد تخت جمشید).
- شکل ۲۴. تعیین موقعیت زمانی نسبی نخستین دهکده‌های خلیج فارس در جدول گاهنگاری جنوب ایران.

پیش‌گفتار

پژوهش حاضر در خصوص شناخت نخستین دهکده‌های هزاره پنجم پیش‌ازمیلاد انجام شده است. دلیل اهمیت هزاره پنجم پیش‌ازمیلاد نخست به این عنوان مطرح است که هزاره پنجم مقدمه و سرآغاز شکل‌گیری تحولات اقتصادی، اجتماعی هزاره چهارم پیش‌ازمیلاد است که آن تحولات به شکل‌گیری و ظهور زندگی شهرنشینی و پیدایش دولت‌ها در هزاره سوم پیش‌ازمیلاد در ایران منجر شد. موضوع مهم‌تر اینکه، حوزه فرهنگی خلیج فارس در ارتباط با فرهنگ‌های داخلی فلات ایران طی سه هزاره پیچیده و توسعه‌یافته است تا اینکه در هزاره سوم پیش‌ازمیلاد توسعه فرهنگ سواحل شمالی کرانه‌های خلیج فارس تا آن حدود گسترش پیدا کرده که در ساحل جنوبی خلیج فارس فرهنگ حوزه جنوب و جنوب غرب ایران گسترانیده شده است و در پرتو این توسعه، ساکنان سواحل جنوبی از زندگی صیادی به مرحله تولید و تجارت وارد می‌شوند. به این دلایل لازم بود که چگونگی

شکل‌گیری و ظهور جوامع اولیه در حوزه خلیج فارس روشن شود. در این پژوهش نخستین دهکده‌های خلیج فارس با استناد به حجم گسترده‌ای از اسناد و مدارک باستان‌شناسی مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد و فرهنگ‌های هزاره پنجم پیش‌ازمیلاد در افقی گسترده در سرتاسر جنوب ایران در ارتباط با کرانه‌های ساحلی به ویژه حوزه جنوب فارس در محدوده شهرستان‌های امروزی لامرد و مهر تحلیل و ارزیابی می‌شوند.

این پژوهش و به‌ویژه بررسی سطح‌الارضی محوطه تل پیر در مرحله نخست در چارچوب بررسی فراگیر منطقه لامرد و مهر طی سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰ انجام شد. در آن مرحله روان‌شاد مسعود آذرنوش یاریگر ما بود. برای ایشان از خداوند متعال طلب رحمت و مغفرت داریم. در دومین مرحله، طی سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ بررسی سطح‌الارضی مجدد در محوطه تل پیر انجام شد، که از حسن فاضلی برای صدور مجوز آن قدردانی می‌کنیم. در این مرحله استفانو تیلیا و آنجلا بیزارو، در چارچوب همکاری‌های مشترک هیئت ایرانی - ایتالیایی، از محوطه تل پیر نقشه‌برداری کردند. ما مدیون زحمات ایشان و همکاری پی‌یر فرانچسکو کالیری سرپرست هیئت ایتالیایی هستیم. همچنین در مراحل گوناگون بررسی از همکاری سازمان میراث فرهنگی استان فارس برخوردار شده‌ایم. در این زمینه قدردان زحمات مصیب امیری و رضا نوروزی هستیم. از زحمات محمدطیب اسدی و هاجر عسکری چاوردی نیز در بررسی‌های میدانی قدردانی

می‌کنیم. همچنین قدردان بزرگواران دیگری هم هستیم که در این پروژه یاریگرمان بودند: از بخش خاورمیانه موزه بریتانیا جان سیمپسون به دلیل صدور مجوز عکاسی و همکاری در زمینه عکاسی، طراحی و بررسی مواد منتشر نشده اورل اشتاین در انبار موزه بریتانیا، و از روبرت کارتر، دِرک کِنِت و سیت پرستمن برای همکاری و در اختیار گذاشتن اطلاعات بررسی‌های باستان‌شناختی محوطه‌های پیش‌ازتاریخ ویلیامسون در حوضه خلیج فارس و بازنگری متن و دادن نظریات ارزشمند. بی‌تردید مسئولیت همه مشکلات و معایب متن متوجه نویسندگان است.

به امید توفیق الهی

دکتر علیرضا عسکری چاوردی (عضو هیات علمی بخش تاریخ دانشگاه شیراز و
مسئول راه‌اندازی دانشگاه هنر شیراز)
دکتر کامرون پیتتری (عضو هیات علمی دانشگاه کمبریج انگلستان)
دکتر هلِن تایلر (عضو هیات علمی بریتیش میوزیوم)

درآمد

در حدود هفت هزار سال پیش (هزاره پنجم پیش از میلاد)، نخستین تحولات اقتصادی - اجتماعی در جوامع روستانشین جنوب و جنوب شرق ایران اتفاق افتاد.^۱ در سرحدات منطقه فارس و به ویژه در بخش‌های شمالی آن، این تحولات با دسترسی انسان به فناوری ذوب مس و رشد جمعیت همراه شد و به شکل‌گیری روستاهایی چون تل باکون، در ۲ کیلومتری جنوب غرب تخت جمشید، انجامید که از روستاهای شاخص این دوره تحولی محسوب می‌شود.^۲ ویلیام سامنر بر اساس مدارک و مستندات باستان‌شناختی به دست آمده از روستای تل باکون، چنین نظر داده است که در این دوره یکجانشینی و سکونت به‌ویژه یکجانشینی مرتبط با کشاورزی به سرعت توسعه یافته و در روستاها سلسله‌مراتب سازمانی، تولیدات تخصصی، ساختار اداری همراه با مالکیت خصوصی و

1. Alizadeh 1988, 2003, 2006; Sumner 1994.

2. Sumner 1990, 1994.

سرانجام انسجام اقتصادی و اجتماعی شکل گرفته است.^۳ البته، نظر عباس علیزاده در این زمینه متفاوت است. از نظر وی چگونگی تکامل روستاها و تبدیل آنها به جوامع تخصصی و تولیدی با گسترش جوامع کوچ‌رو در بخش‌ها و مناطق کوهستانی مرتبط بوده است.^۴

تاکنون معدودی از محوطه‌های باستانی هزاره پنجم پیش‌ازمیلاد در فارس و مناطق همجوار آن کاوش شده است. اغلب این محوطه‌ها متشکل از تپه‌هایی با سازه‌های معماری از خشت و گل (چینه) است.^۵ تقریباً همه اطلاعات ما از محوطه‌های این دوره حاصل بررسی‌های باستان‌شناختی حوضه رود گُر و مناطق پیرامونی آن در فارس است.^۶

3. Sumner 1994: 60-62.

4. Alizadeh 1988, 2003, 2006.

5. Tal-e Bakun A: Herzfeld 1929; Schmidt 1937, 1939; Langsdorff and McCown 1942; Egami and Masuda 1962; Alizadeh 1988, 2004, 2006; Alizadeh et al. 2004; Tol-e Nokhodi: Goff 1963, 1964; Tal-e Gap: Egami and Sono 1962; Tal-i Iblis: Caldwell et al. 1967; Tal-e Jarri A: Egami et al. 1977; Tepe Yahya: Beale 1986; Tol-e Bashi: Abdi et al. 2003; Bernbeck et al. 2004; Pollock et al. in press; Tol-e Nurabad: Weeks et al. 2006, in press; Tappeh Rahmatabad: Bernbeck et al. 2005; DB73, DB91, DB131: Helwing and Seyedin 2006, 2007, in press.

اورل اشتاین (1935, 1936) شماری محوطه‌های باستانی نظیر تل ریگی و ده‌بید را کاوش کرده است، اما این کاوش‌ها روشمند نبودند.

6. Stein 1936; Vanden Berghe 1952, 1954; Sumner 1972, 1994; Alizadeh 2003; Zaidee et al. 2006.

(شکل ۱). اساس شناخت وجود این نوع فرهنگ در محوطه‌های باستانی هزاره پنجم پیش‌ازمیلاد در فارس آگاهی از وجود نوعی سفال نخودی‌رنگ بوده که سطح تقریباً اغلب آن‌ها با رنگ مشکی نقاشی و طراحی شده است (شکل ۲).

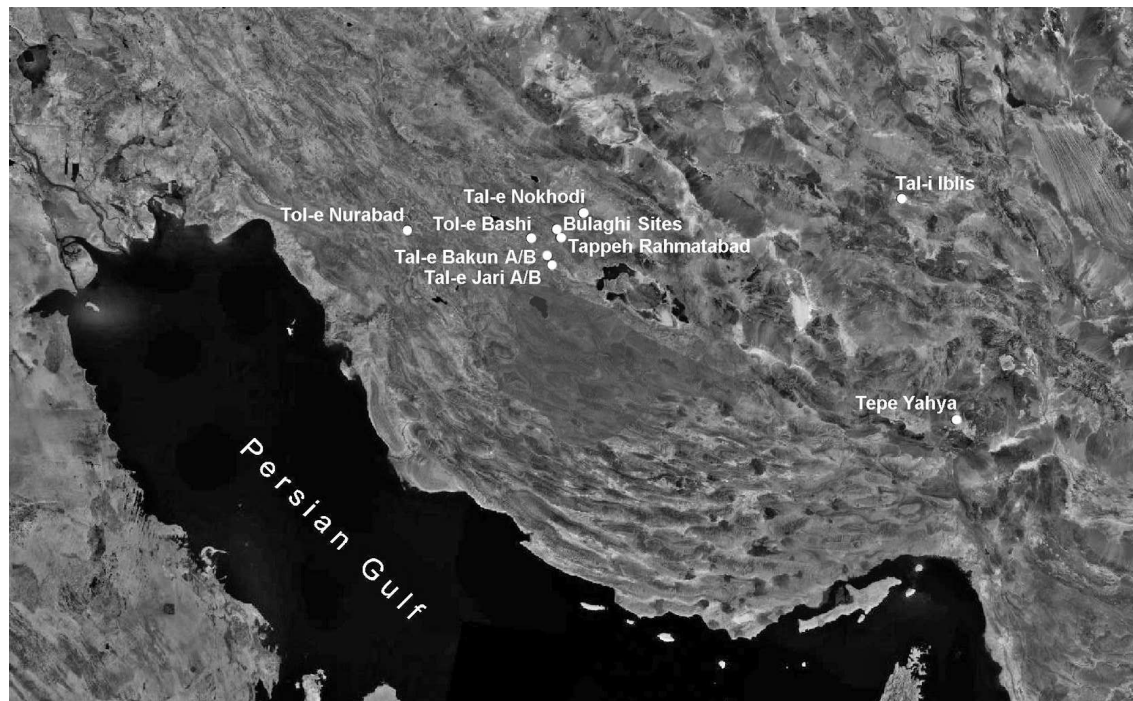
در این هزاره فرهنگ سفال‌گری به این سبک در طیفی وسیع و گسترده در محدوده جغرافیایی فارس رواج داشته است. درحقیقت، شرایط تهیه مواد ساخت این نوع ظروف سفالی در فارس با تنوع اقلیمی این منطقه (سردسیر، گرمسیر) تطبیق داشته و به دلیل همین قابلیت، طی هزاره پنجم پیش‌ازمیلاد، از این سبک و شیوه ساخت ظروف سفالی در بخش‌های زیادی از حوزه خاورمیانه استفاده شده است.^۷

اتفاق نظر عمومی در خصوص تاریخ‌گذاری مجموعه یافته‌های هزاره پنجم پیش‌ازمیلاد در فارس وجود ندارد^۸ و تلاش برای تاریخ‌گذاری نسبی داده‌های باستان‌شناختی حاصل از بررسی‌های سطحی‌الارضی و تعیین نسبت صریح و قطعی این داده‌ها با مراحل فرهنگی قدیم، میانه و جدید هزاره پنجم پیش‌ازمیلاد محدود به حداکثر یک یا دو مورد پژوهش است.^۹ لذا، ضرورت مشخص کردن محدوده زمانی دقیق هر

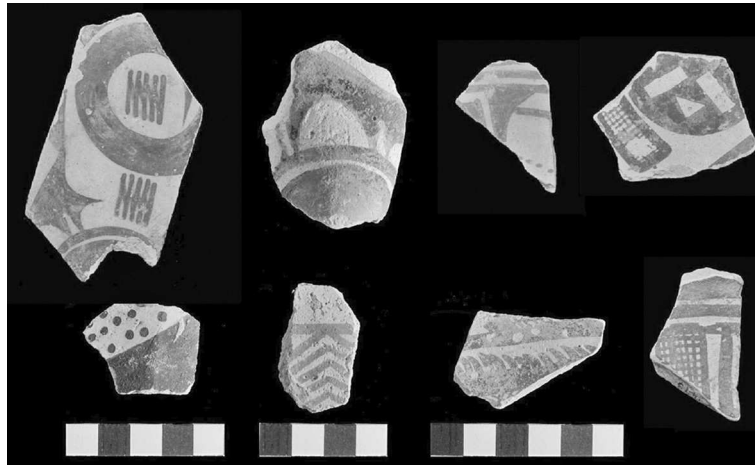
7. Henricksen and Theusen 1989; Weeks *et al.* in press.

8. Voigt and Dyson 1992: 137-140; Alizadeh 2006: 11-12; Potts *et al.* 2006: 8; Taylor 2007: 32-43.

9. Sumner 1994: Tables 1 and 3; Alizadeh 2006: 49.



شکل ۱. دهکده‌های نخستین، هفت‌هزار سال پیش (هزارهٔ پنجم پیش از تاریخ) در فارس و کرمان.



شکل ۲. سفال‌های نخودی منقوش هزاره پنجم پیش از تاریخ، فارس.

کدام از مراحل فرهنگی این هزاره با تاریخ‌گذاری مطلق همچنان مطرح است. تنها مورد استثناء محوطه باکون الف^{۱۰} است که بخشی از مراحل استقرار آن تاریخ‌گذاری مطلق شده است. مع‌الوصف، بررسی‌های باستان‌شناختی در شمار زیادی از محوطه‌های منتسب به سکونت‌های هزاره پنجم پیش از میلاد در جنوب غرب و جنوب ایران نشان می‌دهد که این موارد شامل چند محوطه وسیع و محوطه‌هایی مرتفع است.^{۱۱} توالی شماری از این محوطه‌ها در امتداد بخش‌های خاصی از مسیر رودخانه گُردیده می‌شود و سامنر از آنها به عنوان مدارکی برای تعیین

10. Alizadeh 2006: 119-121.

11. Sumner 1972, 1994; Kole 1980; Alizadeh 2003.

شیوه‌های آبیاری در کشاورزی استفاده کرده است،^{۱۲} اما در مجموع، مدرک خاصی برای مشخص کردن الگوی شیوه‌های زیست و کشاورزی در این محوطه‌های باستانی وجود ندارد و مدارک مربوط به شیوه‌های آبیاری و کشاورزی در محوطه‌های مورد بحث، اغلب مبهم و مورد تردید است.^{۱۳} اما مهم‌تر اینکه، با کشف مَهرهای استامپی از چند محوطه باستانی، پرسش‌های جدی در خصوص چگونگی نظام‌های اقتصادی و اجتماعی جوامعی مطرح شده که در هزاره پنجم پیش‌ازمیلاد شیوه‌های مالکیت در آنجا رواج داشته است.^{۱۴}

چگونگی معیشت در جوامع انسانی کوچ‌رو در مناطق کوهستانی ایران طی دوره پیش‌ازتاریخ از مسائل مهم مورد بحث است.^{۱۵} کامیار عبدی در زمینه تعریف چگونگی اقتصاد معیشتی جوامع انسانی هزاره پنجم پیش‌ازمیلاد الگوهای متنوع و متفاوتی از زندگی نیمه‌یکجانشینی در روستا بر پایه اقتصاد دامداری تا اقتصاد کوچ‌روی کامل در اختیار گذاشته است. در این طیف سطح و میزان وابستگی مستقیم یا نیمه‌مستقل جوامع کوچ‌رو به اقتصاد کشاورزی نقد و بررسی شده است.^{۱۶} به دلیل وجود

12. Sumner 1994.

13. Mashkour *et al.* 2006; Miller and Kimiaie 2006.

14. Weeks *et al.* in press.

15. Hole 1974, 2004: 78-81; Pires-Ferraira 1977; Zagarell 1982; Sumner 1986; Alizadeh 1988, 2003, 2006; Bernbeck 1992; Abdi 2003.

16. Abdi 2003: 400-405.

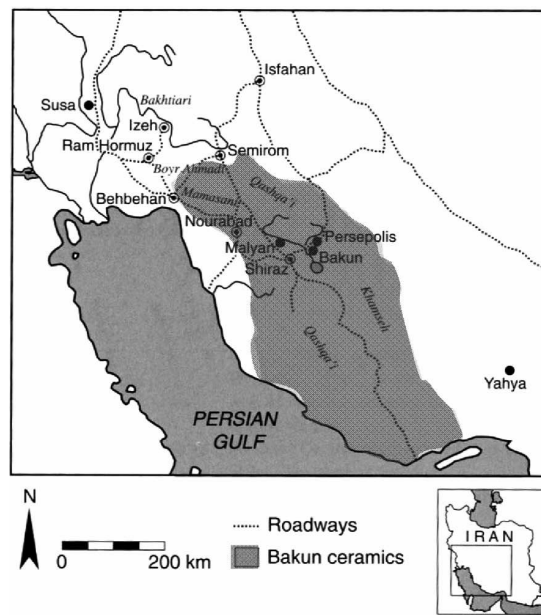
جوامع عشایری کوچ‌رو در سده‌های معاصر – نظیر بختیاری‌ها و قشقایی‌ها – همچنان موضوع شناخت نقش جوامع کوچ‌رو باستان در شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی و اقتصادی کهن به عنوان پرسشی مهم برای باستان‌شناسان مطرح است.^{۱۷} بررسی‌های قوم‌نگارانه و مردم‌شناختی در فارس نشان می‌دهد که امروزه در طول سال جوامع کوچ‌رو بین مناطق آب‌وهوایی گوناگون زاگرس در حرکت‌اند و با کوچ‌های فصلی منابع معیشتی خود را فراهم می‌آورند.^{۱۸} این مناطق گوناگون زیستی در سه بخش عبارت است از: منطقه سردسیر یا چراگاه‌های تابستانی در بخش‌های مرتفع زاگرس، منطقه معتدل یا دشت‌های میان‌کوهی در زاگرس مرکزی، و منطقه گرمسیر که بخش‌های کم‌ارتفاع و پست زاگرس را شامل می‌شود و در زمستان‌ها محل سکونت و چراگاه دام‌هاست.^{۱۹} عباس علیزاده در زمینه چگونگی شرایط حاکم بر فرهنگ‌های اواخر هزاره پنجم پیش‌ازمیلاد در حوضه رود گر، چنین نظر می‌دهد که نقش جوامع کوچ‌رو در شکل‌گیری نهادهای حکومتی اولیه و تحول در ساختارهای معیشتی بیش از جوامع یکجانشین کشاورز بوده است.^{۲۰} (شکل ۳). همچنین وی با اشاره به چگونگی پراکنش و توزیع سفال‌های نخودی

17. Potts 2008.

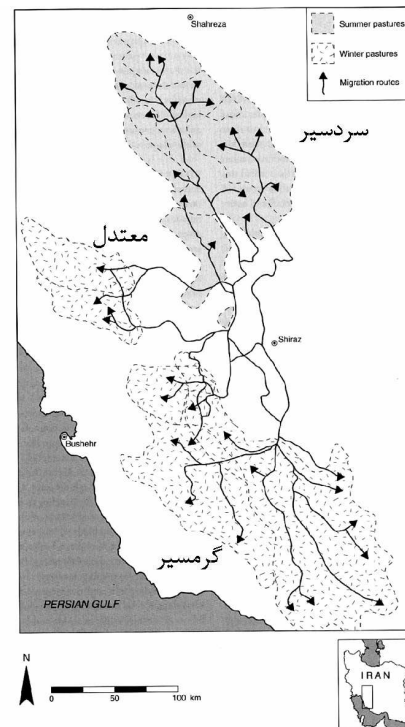
18. Beck 2003: 292ff.

19. Bobek 1968: 283-284; Sunderland 1968: 637ff. Fig. 151; Alizadeh 2003; 2006: 30-31; Beck 2003: 292ff, Figs. 28.1-28.2.

20. Alizadeh 1988, 2003, 2006.



Ethnographic analogy:
nomadic pastoralists and the rise of
highland complexity (Alizadeh 2006)



شکل ۳. فرضیه شکل‌گیری جوامع اولیه در ارتباط با مناطق سردسیر، گرمسیر و معتدل در فارس.

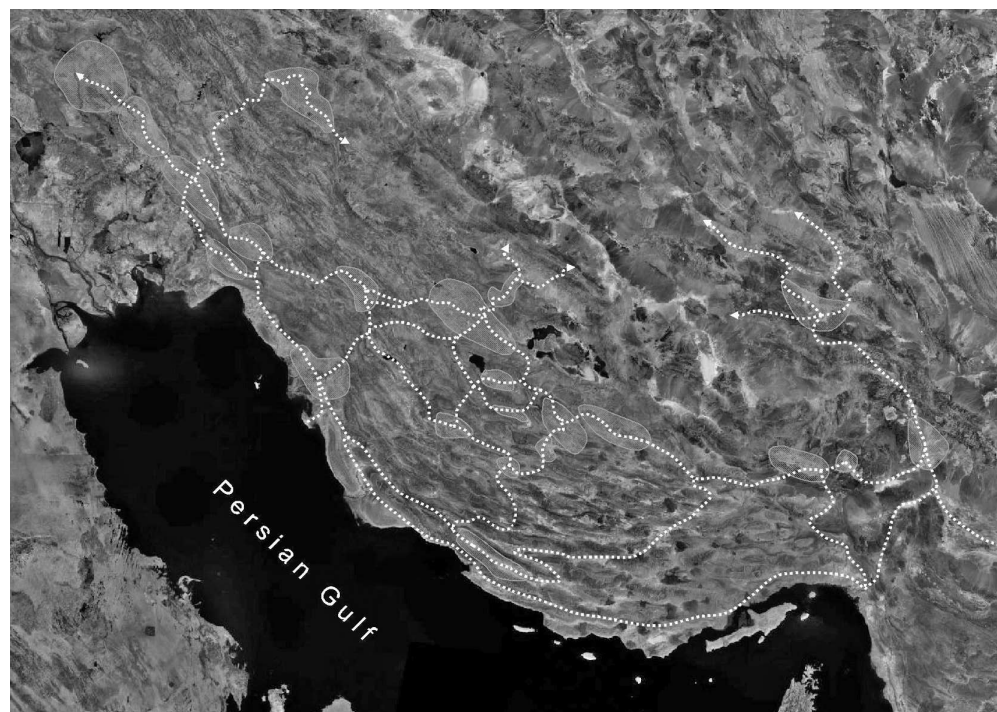
منقوش دورهٔ باکون در محوطه‌های باستانی فارس، وجود این سفال‌های مشابه را در مسیرها و مکان‌های استقرار جوامع کوچ‌رو معاصر در فارس – نظیر قشقایی‌ها و ایل خمسه – دلیلی برای اثبات فرضیهٔ وجود قبایل کوچ‌رو در فارس هزارهٔ پنجم پیش‌ازمیلاد می‌داند،^{۲۱} اما پاتس چنین استدلال می‌کند که این فرضیه برای سنجش مستقیم جوامع کوچ‌رو معاصر و چگونگی ساختار آنها در هزارهٔ پنجم پیش‌ازمیلاد مناسب نیست.^{۲۲}

به‌وضوح روشن است که اتفاق نظر عمومی در خصوص باستان‌شناسی هزارهٔ پنجم پیش‌ازمیلاد در جنوب و جنوب غرب ایران وجود ندارد (شکل ۴). بنابراین، هزارهٔ پنجم پیش‌ازمیلاد دوره‌ای است که شناخت دقیق آن به پژوهش‌های باستان‌شناختی متمرکز برای یافتن پاسخ پرسش‌های مرتبط با تاریخ‌گذاری دقیق فرهنگ‌های این دوره، بافت و ساختار سکونتگاه‌ها و چگونگی شیوه‌های زیست و تأمین معاش جوامع انسانی در این دوره نیاز دارد (شکل ۵). همچنین، شناخت میزان گسترش سبک‌های تزئینی و تکنیکی، گنش‌ها و رفتارهای بین‌گروه‌های انسانی در استفاده از مواد فرهنگی مشابه و نقش گروه‌های یکجانشین کشاورز و کوچ‌رو در فرایند این تحولات در هزارهٔ پنجم پیش‌ازمیلاد مهم است.^{۲۳}

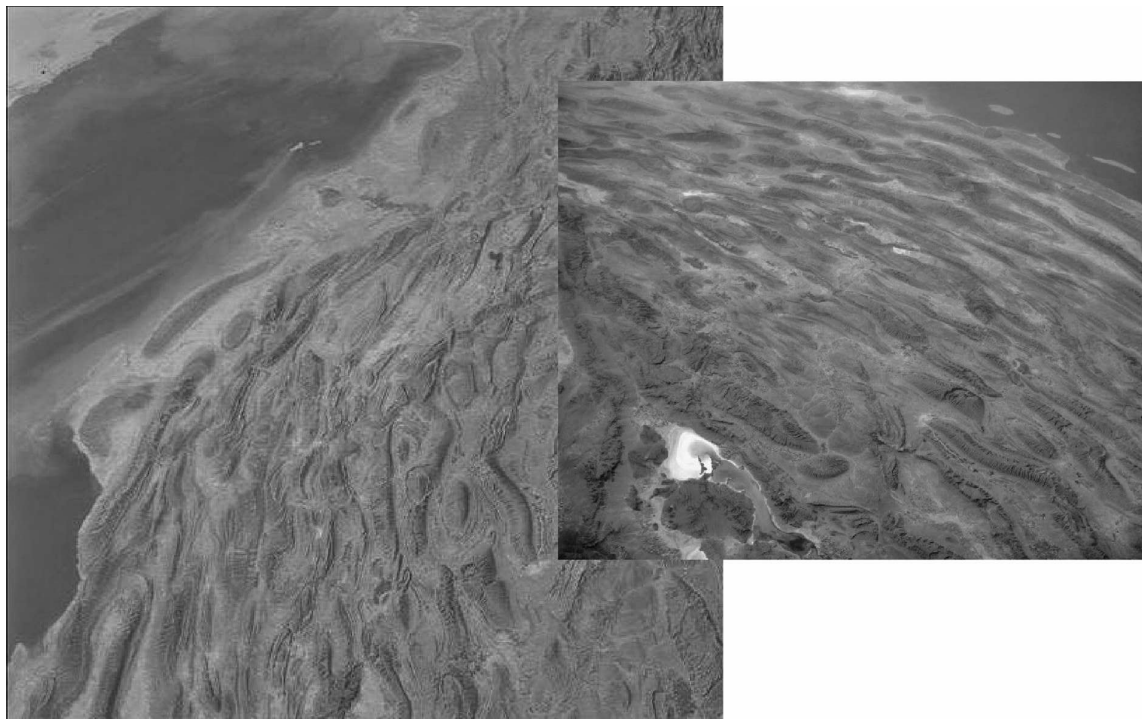
21. Alizadeh 1988, 2003: Fig. 7.1, 2006: Fig. 5.b.

22. Potts 2008.

23. Weeks *et al.* in press.



شکل ۴. شکل‌گیری و ارتباط نخستین روستاهای پیش‌ازتاریخ جنوب ایران در بستر طبیعی کوه‌های زاگرس و کرانه‌های خلیج فارس.



شکل ۵. زاگرس جنوبی و چگونگی مسیرهای ارتباطی بین دشتهای میان کوهی در کرانههای خلیج فارس.

محوطه باستانی معروف به تل پیر در موقعیت ۵۲° , $۴۰'$, $۹۶۳''$ شرقی و ۲۷° , $۴۲'$, $۹۲۵''$ شمالی در ارتفاع $۴۶۱/۵$ متر از سطح دریا، در حاشیه دشت گله‌دار و اسیر و در ۲۰ کیلومتری ساحل خلیج فارس در جنوب استان فارس واقع است (شکل ۹ و ۱۵). دشت گله‌دار، دشتی میان‌کوهی در خطه ساحلی خلیج فارس است و کوه شیبکوه در حاشیه جنوبی آن قرار دارد (شکل ۸). محوطه تل پیر در منطقه به نسبت کم‌ارتفاع و در بخش گرم نزدیک به ساحل واقع شده و امروزه میزان بارش در آن اندک است. سر اورل اشتاین در سال ۱۳۱۱ هجری شمسی برای نخستین بار این محوطه را شناسایی کرد^{۲۴} (شکل ۶) و پس از گذشت سال‌ها، این محوطه در دهه ۱۳۸۰ مجدداً بررسی و بازنگری شد.^{۲۵} از مهم‌ترین دلایل اهمیت محوطه تل پیر این است که تنها محوطه دوره پیش‌تاریخ در بخش ایرانی ساحل خلیج فارس محسوب می‌شود که تاکنون کاوش شده است. مجموعه یافته‌های سفالی گردآوری شده از کاوش و بررسی‌های اخیر در سطح محوطه نشان می‌دهد که محوطه تل پیر طی هزاره پنجم پیش از میلاد مسکون بوده، اما بررسی منسجمی برای شناخت دقیق یافته‌های باستانی این محوطه و مقایسه آنها با داده‌های باستانی تاریخ‌گذاری شده از سایر محوطه‌های هم‌زمان در ایران و فارس انجام نشده و لذا در چارچوب

24. Stein 1934, 1937.

25. Asgari Chaverdi 2001.

این پژوهش فرصت مناسبی فراهم شد تا چگونگی پراکنش و توزیع سفال‌های نخودی منقوش عصر مس‌سنگی و مباحث مربوط به ساختار و بافت سکونتگاه‌های انسانی در مناطق ساحلی خلیج فارس بررسی و از این راه دیدگاهی جامع در مورد کنش‌های فرهنگی بین جوامع انسانی ساکن در مناطق گوناگون جغرافیایی جنوب و جنوب غرب ایران طی هزاره پنجم پیش‌ازمیلاد فراهم شود.

سکونتگاه‌های پیش از تاریخ در کرانه‌های ساحلی خلیج فارس

جنوب و جنوب غرب ایران در محدوده جغرافیایی کوه‌های زاگرس چین‌خورده واقع است (شکل ۵). تنوع جغرافیای زیستی این منطقه کوهستانی چنین ایجاد کرده که جوامع انسانی به صورت متراکم فقط در دره‌ها و دشت‌های میان‌کوهی سکونت کنند، که در آنجا میزان به نسبت کافی منابع آب و خاک قابل کشت وجود داشته است (شکل ۱). پژوهش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناختی هدفمند و روشمند، اعم از بررسی و کاوش، در برخی از این دشت‌ها و دره‌ها و در امتداد مسیرهای مرتبط با آنها در مقیاس و ابعاد گوناگون انجام شده، اما همچنان بسیاری از دشت‌ها به کلی بررسی نشده یا میزان بررسی در آنها اندک بوده است. از آنجا که پژوهش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناختی در جنوب و جنوب غربی ایران به صورت موردی و پراکنده صورت گرفته، اطلاعات باستان‌شناختی از این مناطق گسسته

و ناهمگون است. یکی از مناطقی که به نسبت دشت‌های شمالی فارس به بررسی آن کمتر توجه شده، منطقه ساحلی خلیج فارس و کرانه‌های آن در استان فارس است.

محدوده ساحلی حد فاصل شبه جزیره بوشهر تا تنگه هرمز متشکل از سلسله کوه‌های مرتفع و به هم پیوسته‌ای است که در حاشیه ساحل برآمده می‌شود و بلافاصله به دریا می‌پیوندد. همین عامل باعث شده که زمین‌های قابل کشت در نوار ساحلی نادر و محدود باشد^۱ (شکل ۵). امروزه دمای هوا در زاگرس جنوبی و بخش‌های ساحلی مجاور آن بالا و حداکثر میانگین بارش سالیانه در این قسمت‌ها ۱۰۰ میلی‌متر است که این میزان بارش نسبت به بارش در بخش‌های مرتفع زاگرس به طور چشمگیری پائین است.^۲ به نظر می‌رسد تنزل میزان بارش سال‌های اخیر، شاخصه‌ای غیر قابل اعتماد و موردی است و فقط برای دوره زمانی کنونی کاربرد دارد. در عمده مناطق این بخش از زاگرس و به ویژه در منطقه خلیج فارس،^۳ کشاورزان برای دستیابی به محصول مناسب به شیوه‌های کشت آبی و قنات اتکا دارند.^۴ بیشتر زمین‌ها بایر و قابلیت‌های خاک محدود^۵ و

1. Fischer 1968.

2. Fischer 1968: 28; Ganji 1968: 227-228, Fig. 79.

3. Bowen Jones 1968: 598, Fig. 140.

4. Fischer 1968: 28.

5. Dewan and Famouri 1968: Fig. 85.

اغلب این مناطق برای کشت درختانی مثل درخت نخل مناسب است.^۶ بخش‌هایی از نوار ساحلی در مسیر رودخانه‌ها و جریان‌های فصلی مناطق بالاتر قرار دارد و عمده این جریان‌های سیلابی بلافاصله به دریا سرازیر می‌شود (شکل ۱ تا ۳). امروزه شرایط زیست در این مناطق نامناسب است و به احتمال محدودیت استفاده از منابع در گذشته نیز در فعالیتهای زیستی انسان تأثیر گذاشته است. نوار ساحلی خلیج فارس در این حوزه جغرافیایی، حد فاصل بوشهر تا تنگه هرمز، نوار باریکی است که بلافاصله به دریا منتهی و از جانب دیگر بلافاصله با سلسله‌کوه‌های به هم پیوسته حاشیه ساحلی محاط می‌شود. اما در پشت نخستین ردیف ستیغ کوه‌های خطه ساحلی، دشت‌های میان‌کوهی وجود دارد که در صورت وجود آب کافی، بخش عمده این دشت‌ها برای کشاورزی و سکونت مناسب است.

در مناطق ساحلی جنوب و جنوب غرب ایران، یک رشته راه هم‌عرض و متقاطع تجاری وجود دارد. شبکه این راه‌ها در حدفاصل کرانه‌های ساحلی و دشت‌های میان‌کوهی از شرق به غرب به هم می‌پیوندد (شکل ۵). همچنین، شبکه‌ای از این راه‌ها از کرانه‌های ساحلی تا مناطق مرتفع سرحدات بالاتر امتداد می‌یابد (شکل ۴). دو بررسی در زمینه شبکه راه‌های تجاری کرانه‌های ساحلی انجام شده

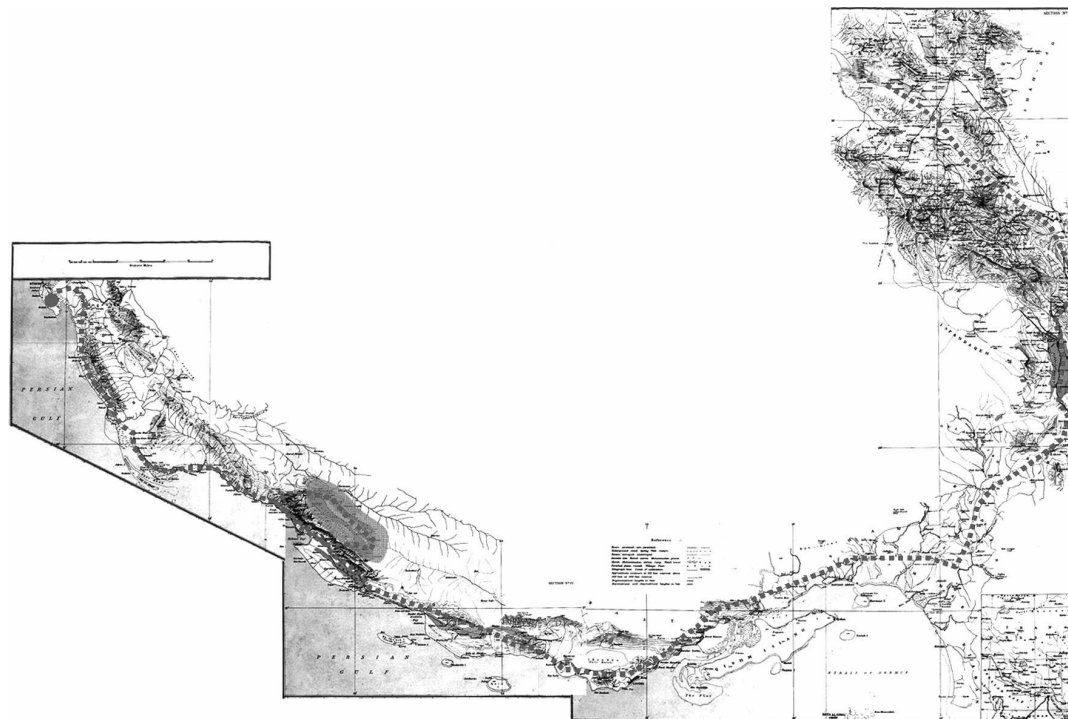
6. Bobek 1968: Fig. 88.

است: نخست، بررسی سر اورل اشتاین^۷ در سال ۱۳۱۱ و سپس بررسی‌های باستان‌شناختی آندره ویلیامسون و مارتا پریکت، در حد فاصل سال‌های ۱۳۴۷ و ۱۳۵۰^۸ (شکل ۶ و ۷). هر دو این بررسی‌ها فراگیر و فاقد انسجام و تمرکز بر دوره‌ای خاص بوده و به دستیابی به مدارک مهم از سکونت‌گاه‌های پیش از تاریخ در امتداد خطه ساحلی بخش ایرانی خلیج فارس منتهی نشده است. در واقع از دهه ۱۳۸۰ هجری شمسی بود که طی چند مرحله بررسی فراگیر، روش‌مند و گزینشی بخشی از این مناطق ساحلی بررسی و برای نخستین بار چند محوطه پیش از تاریخی شناسایی شد.^۹ این محوطه‌ها را در ادامه توصیف خواهیم کرد.

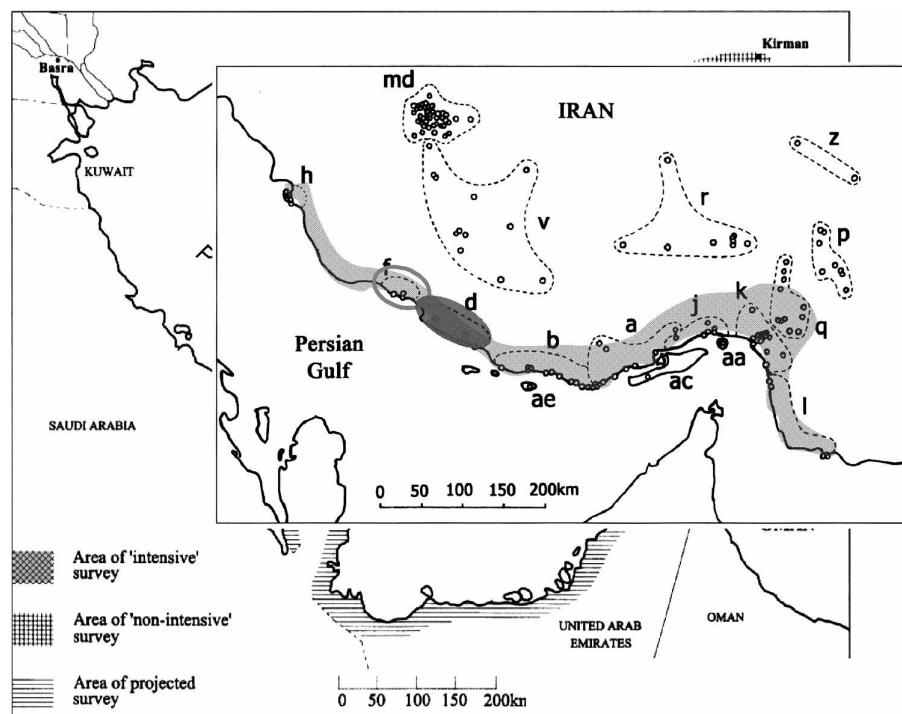
۷. در حالی بررسی سال ۱۳۱۱ هجری شمسی سر اورل اشتاین در امتداد کرانه‌های ساحلی خلیج فارس انجام شد که پژوهش‌های مقدماتی وی بر بررسی شمال غربی هند و بخش‌هایی از کرمان تمرکز داشت (Stein 1934, 1937).

۸. بررسی‌های باستان‌شناسی ویلیامسون به کشف صدها محوطه باستانی منجر شد، که عمده این محوطه‌ها به دوره ساسانی یا اسلامی تاریخ گذاری شده است. تعدادی از محوطه‌های مکشوفه وی در بررسی اورل اشتاین شناسایی شده بود (Priestman and Kennet 2002; Priestman 2003; 2004). متأسفانه درگذشت زودهنگام ویلیامسون در سال ۱۳۵۴ و هم عدم اطلاعات کافی از محوطه‌های باستانی در برگه‌های تکمیل شده در میدان، همه از جمله مشکلات عدم دسترسی کامل به اطلاعات محوطه‌هایی است که وی از آنها نام برده است (Priestman and Kennet 2002: 266; Priestman 2003: 245 ff).

9. Asgari Chaverdi 2001; Carter *et al.* 2006.



شکل ۶. مسیر بررسی‌های باستان‌شناسی سر اورل اشتاین در کرانه‌های خلیج فارس در سال ۱۳۱۱ و دشت گله‌دار (لامبرد و مَهر).



شکل ۷. بررسی‌های باستان‌شناسی آندره ویلیامسون و مارتا پریکت در سالهای ۱۳۴۷ و ۱۳۵۰ در کرانه‌های ساحلی خلیج فارس.

بررسی سر اورل اشتاین و کاوش‌های تُل پیر

سر اورل اشتاین نخستین‌بار در سال ۱۳۱۱ هجری شمسی بخش‌هایی از ایران را بررسی کرد. انتخاب آگاهانه اشتاین در مورد مسیر باعث شد در بررسی‌های وی در واقع برای نخستین‌بار طیف وسیعی از آثار باستانی جنوب غرب آسیا شناسایی شود.^{۱۰} هر آنچه اشتاین بازدید کرد یا برای نخستین‌بار بود که کشف می‌شد و یا اگر هم پیش‌تر کشف شده بود، اشتاین نخستین باستان‌شناسی بود که آن آثار را بررسی می‌کرد. به همین دلیل شمار بسیاری از آثار باستانی دوره پیش‌از‌تاریخ در جنوب شرق و جنوب ایران در چارچوب بررسی اشتاین کشف شد که مهم‌ترین آنها بمپور، خوراب، چاه حسینی در منطقه سیستان و بلوچستان، کنارصندل در جیرفت و تل ابلیس در کرمان است^{۱۱} (شکل ۶).

اورل اشتاین هنگام گذر از انتهای بخش غربی ساحل خلیج فارس در هرمزگان، در ۲۴ آذرماه سال ۱۳۱۱ هجری شمسی، بقایای باستانی بندر تجاری سیراف را شناسایی کرد.^{۱۲} وی، پس از بررسی بندر سیراف، تصمیم گرفت از سلسله‌جبال ساحلی بگذرد و منطقه لارستان را بررسی کند، به همین دلیل از شمال شرقی سیراف و از طریق تنگه معروف به کُل‌خرگ (کُل‌خرگ)، به بخش شمال غربی دشت گله‌دار

10. Stein 1937: vii-viii.

11. Stein 1934, 1937: 106ff., 118ff., 127, 149ff., 164ff.

12. Stein 1934: 130-134; 1937: 193-202.

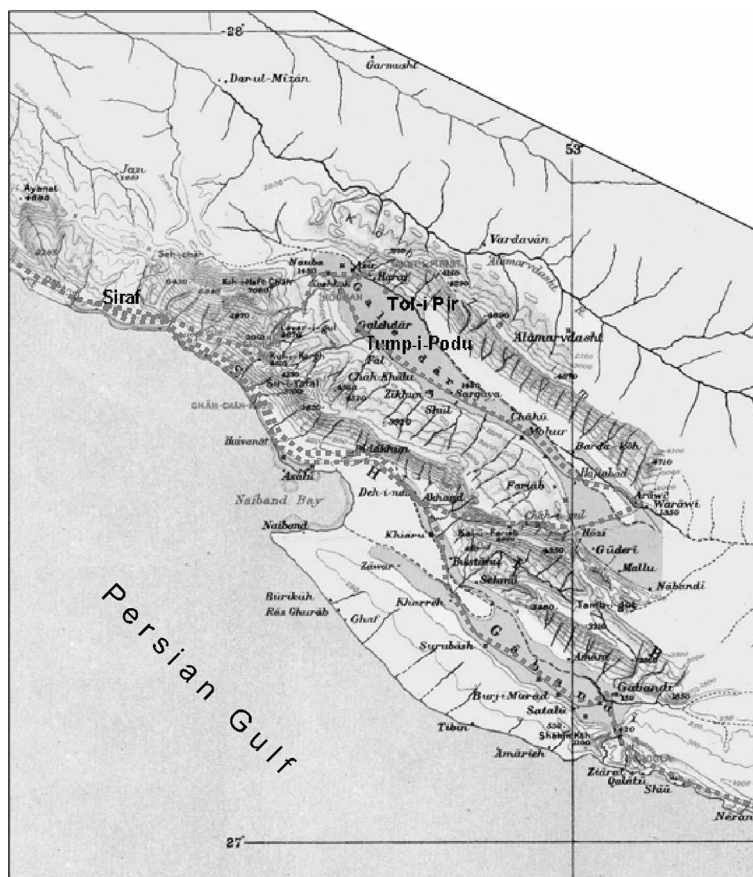
وارد شد^{۱۳} (شکل ۸). در این مسیر، اشتاین متوجه شد مسیری که برای بررسی منطقه لارستان انتخاب کرده امنیت کافی ندارد و لذا، در پی مشورت با خان محلی، مجبور شد مسیر دیگری را در بخش کوهستانی انتخاب کند.^{۱۴} اشتاین در گزارش خود آورده است که در مدت زمان انتظار برای جواب خان محلی به درخواست کمک او و تهیه تدارکات برای ادامه سفر، فرصت را غنیمت شمرده و محوطه‌های باستانی منطقه گله‌دار را بررسی کرده است.^{۱۵} اشتاین طی روزهای سوم و چهارم بهمن‌ماه ۱۳۱۱ هجری شمسی، تنها محوطه‌های مهم پیش‌ازتاریخی کرانه‌های ساحلی خلیج فارس را برای نخستین بار شناسایی می‌کند: محوطه‌هایی تپه‌مانند در نزدیکی یکدیگر که در مجاورت روستای معروف به هَرَج در دشت گله‌دار و اسیر قرار داشتند^{۱۶} (شکل ۹). وی بررسی و شناسایی این محوطه را در آن روز (۳ بهمن ماه ۱۳۱۱)، چنین شرح داده است: در چند صد متری جنوب روستای هرج توجه من به تپه‌ای کم‌ارتفاع جلب شد، محوطه‌ای که کمی غیر طبیعی به نظر می‌رسید و لذا مصمم شدم که سطح آن را بررسی کنم. در سطح محوطه تعداد زیادی مزار متعلق به مسلمانان وجود داشت، اما با شناسایی تعدادی سنگ ابزار تیغه‌مانند، ریزتیغه و

13. Stein 1934: 134; 1937: 213.

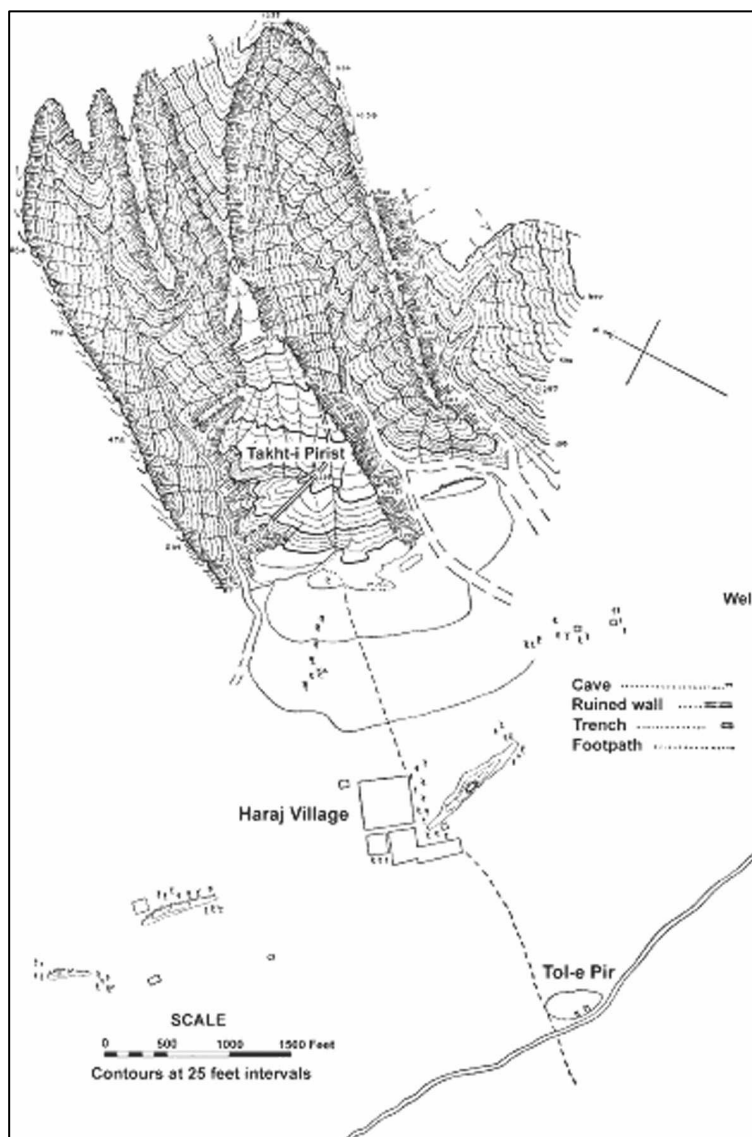
14. Stein 1937: 217.

15. Stein 1937: 217.

16. Stein 1937: 217ff.



شکل ۸. بررسی اشتهای در ساحل گاوبندی، سیراف و دشتهای پس کرانه‌ای گله‌دار، مَهر و لامرد.



شکل ۹. نقشه محدوده روستای هرج و تل پیر (اشتاین ۱۳۱۶، طرح شماره ۱۸).

ظروف شکسته منقوش مشخص شد که این محوطه متعلق به دوره پیش‌از‌تاریخ است (شکل ۱۲). پس از طی طریقی طولانی و خسته‌کننده در سواحل خلیج فارس، شناسایی این محوطه پیش‌از‌تاریخی، کشفی فوق‌العاده و بی‌نظیر بود که تا آن زمان در محدوده ساحلی خلیج فارس ممکن می‌شد.^{۱۷} این محوطه تل پیر نام داشت (شکل ۸).

اشتاین در حالی سایر بخش‌های منطقه گله‌دار را بررسی کرد که همزمان تدارکات کاوش تل پیر فراهم می‌شد. وی به‌سرعت چند محوطه باستانی را در یک کیلومتری حوالی جنوب روستای هِرَج شناسایی کرد که بر سطح آنها سفال‌های منقوش و ریزتیغه وجود داشت.^{۱۸} وسعت این محوطه‌ها ۳۰ در ۵۰۰ متر و ارتفاع آنها کمتر از ۳ تا ۴ متر بود (شکل ۸). وی همچنین، تل معروف به تُمب پُدو واقع در چند صد متری شمال شهر گله‌دار و در ۵ کیلومتری جنوب هِرَج را شناسایی کرد و بر سطح آن سفال‌های منقوش و ریزتیغه به‌دست آورد.^{۱۹} (شکل ۸). مسئله مهم در خصوص این محوطه‌ها، این است که دارای لایه‌های سکونتی هستند. این سکونت‌ها به جوامع یکجانشین تعلق داشته، زیرا در محوطه‌ها معماری وجود دارد و در ساخت بناهای موجود در آنها از خشت استفاده شده است.

در پنجم بهمن‌ماه، اشتاین دوباره به محوطه تل پیر باز می‌گردد و

17. Stein 1937: 218.

18. Stein 1934: 133, 1937: 218.

19. Stein 1937: 220.

همراه کارگران و با استفاده از تدارکات فراهم‌شده، کاوش را آغاز می‌کند:

این محوطه در حاشیه سمت چپ رودخانه‌ای واقع است که با شروع جریان‌های سیلابی از شمال غربی دشت سرچشمه می‌گیرد (شکل ۹). ابعاد این محوطه در امتداد شمالی - غربی ۸۰ و در امتداد شرقی - غربی ۵۰ متر است. در بخش مرکزی ارتفاع محوطه در حدود ۸ متر بالاتر از سطح زمین‌های اطراف است. مسئله حایز اهمیت این است که از سطح محوطه و حاشیه آن برای گورستان مسلمانان استفاده شده است. با توجه به محدودیت مکان انتخاب کاوش، تلاش شد دو گمانه آزمایشی در حاشیه جنوب شرقی محوطه کاوش شود.^{۲۰} گمانه شماره یک، در نخستین روز در فاصله ۳ متری بالاترین بخش تپه در هشت بخش (هر بخش پلکانی متشکل از یک مربع به ابعاد ۴ در ۴ متر) انتخاب و تا عمق بین ۵ تا ۳ متر از بالاترین بخش تا پائین‌ترین بخش محوطه کاوش شد (شکل ۱۰). آخرین بخش پلکانی این گمانه (بخش هشتم)، با سطح زمین‌های کشاورزی هم‌سطح بود و تا بستر رودخانه کاوش شد. در نخستین بخش (بخش یکم)، لایه‌هایی از خاکستر و پس‌مانده‌های استخوان حیوانی وجود داشت، سپس در

۲۰. در مورد موقعیت گمانه‌های کاوش به نظر می‌رسد اشتباهی در طرح نقشه رخ داده، زیرا گمانه‌ها در جنوب غربی محوطه کاوش شده و نه در جنوب شرقی محوطه. این اشتباه به احتمال به نقشه‌ای باز می‌گردد که محمد ایوب‌خان نقشه‌بردار اورل اشتاین کشیده و هنگام چاپ آن این اتفاق افتاده است.



شکل ۱۰. محوطه تل پیر در زمان کاوش‌های اورل اشتاین (اشتاین ۱۳۱۶).

لایه دوم، پیش از رسیدن به سطح زمین، قطعه‌سفال‌های شکسته منقوش و ابزارهای سنگی به دست آمد. در روز ششم بهمن ماه سال ۱۳۱۱ هجری شمسی، دومین گمانه آزمایشی در فاصله ۷ متری غرب گمانه شماره یک باز شد. این گمانه نیز در تداوم همان گمانه پیشین، از بخش نهم تا دوازدهم با همان ابعاد و در سطح شیبدار محوطه کاوش شد^{۲۱} (شکل ۱۰).

به نظر می‌رسد گمانه شماره یک دو برابر گمانه شماره ۲ بوده است، زیرا گمانه شماره یک از ۸ بخش (۴×۴ متر)، و گمانه شماره ۲، از ۴ بخش

21. Stein 1937: 218, 221.



شکل ۱۱. محوطه تل پیر (سال ۱۳۸۶).

(۴×۴ متر) تشکیل شده بود. نقشه اشتاین نشان می‌دهد که گمانه‌ها در یک جانب شیب محوطه حفر و کاوش در همه بخش‌ها، پیش از رسیدن به عمق ۲ متر متوقف شده است^{۲۲} (شکل ۱۰). هر چند در گزارش به‌صراحت بیان نشده که در کدام بخش به خاک بکر رسیده‌اند، به نظر می‌رسد حداقل در آخرین بخش در حاشیه محوطه، خاک بکر به دست آمده است. مسئله مهم این است که در بخش هفتم از گمانه

22. Stein 1937: 219, Plan 18.

این روش در سال ۱۹۳۴ میلادی، برای کاوش تعدادی از محوطه‌های باستانی در بخش‌های مرکزی فارس بکار گرفته شد. (Stein 1936).

یکم، در عمق یک‌ونیم متری از سطح، تدفینی به شکل چمباتمه با پاهای جمع شده به طرف سینه به دست آمده است. هیچ شیئی از این گور به دست نیامده، اما اشتاین چنین نظر داده که این فرد در لایه متعلق به عصر مس‌سنگی دفن شده بوده و گور متعلق به همان مرحله است.^{۲۳}

با گذشت دو روز از کاوش، مجموعه گسترده و متنوعی از سفال‌های منقوش نخودی‌رنگ به دست آمد که غالب آنها با طرح‌ها و نقش‌های هندسی تزئین شده بود^{۲۴} (شکل ۱۲). به‌علاوه، دو مهر سنگی مسطح با نقوش ساده هندسی کنده و سوراخ آویز کشف شد که یکی از آنها در بخش ششم و دیگری در بخش هفتم (شکل ۱۳)، همراه با شماری تیغه سنگی، سوراخ‌کننده سنگی، ساینده و دسته‌هاون سنگی و دسته‌چکش‌های سنگ چخماقی شکل به دست آمد.^{۲۵} امروزه، بخشی از این تیغه‌ها و یک عدد از این مهرها در بخش خاورمیانه موزه لندن (بخش مرلین. شماره ۱۳۷۳۲۲)، نگهداری می‌شود. سایر تیغه‌ها، همراه با دومین مهر در مجموعه موزه پیبودی هاروارد (تحت شماره پیبودی، ۳۶-۹۱-۶۰/۵۳۲۱)، نگه داشته می‌شود. اشتاین ذکر کرده است که این مهرها با مهرهای کشف شده هرتسفلد از روستای پیش از تاریخی نزدیک تخت جمشید مشابه

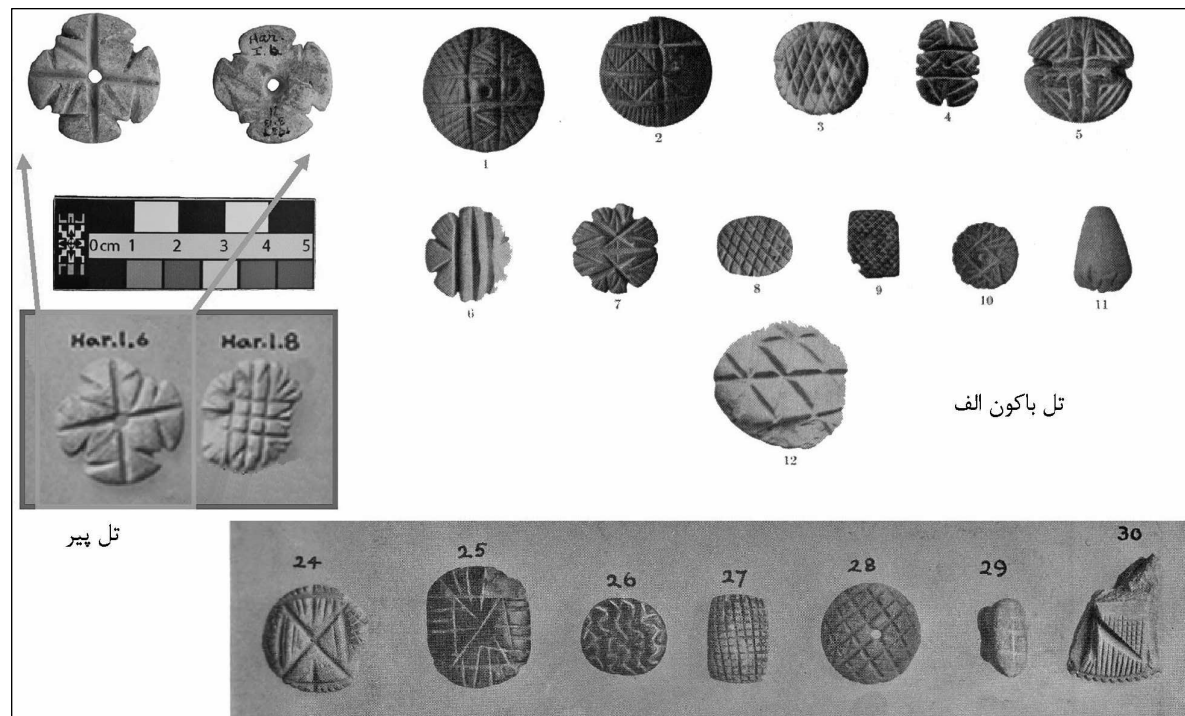
23. Stein 1937: 223.

24. Stein 1937: 222-223, 1934: 133.

25. Stein 1937: 221, Plate XXX.



شکل ۱۳. سفال‌های محوطه تل پیر (اشنانین ۱۳۱۶: طرح شماره ۱۸، ۱۹).



شکل ۱۳. مهرهای هزاره پنجم پیش از تاریخ: تل پیر، تل باکون الف، و فارس (از بررسی های اشتاین).

است.^{۲۶} اشاره اشتاین به کاوش‌های تل باکون است که نخستین بار هرتسفلد در سال ۱۳۰۷ هجری شمسی آن را تل باکون الف نامید^{۲۷} و کم‌وبیش تا سال‌های اخیر کاوش‌های باستان‌شناختی در آن محل به صورت گسسته ادامه داشته است.^{۲۸}

بررسی‌های باستان‌شناختی نو

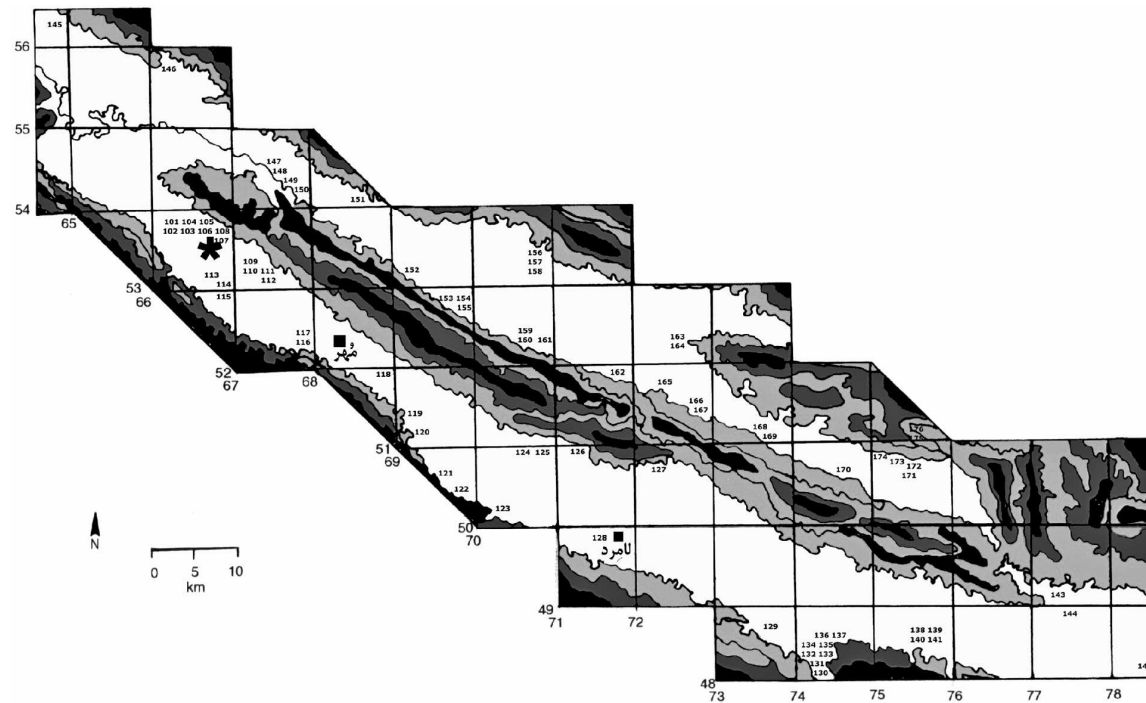
در سال ۱۳۷۹ هجری شمسی، محوطه تل پیر در چارچوب بررسی باستان‌شناختی فراگیر شهرستان‌های لامرد و مهر بررسی شد^{۲۹} (شکل ۱۴). از این محوطه معدودی یافته سطحی نمونه‌برداری و معرفی شد (شکل ۷). در ۲۴ اسفندماه سال ۱۳۸۶، این محوطه دوباره بررسی و در این مرحله تلاش شد علاوه بر نمونه‌برداری یافته‌های سطحی، نقشه توپوگرافیک محوطه ترسیم و یافته‌ها، سطح این محوطه و چشم‌انداز محیطی آن بررسی و مستندنگاری شود (شکل ۱۵ تا ۱۷). این محوطه به شکل تپه‌ای کم‌ارتفاع به درازای ۱۴۰ و پهنای ۱۱۰ متر است که مجموع مساحت آن در حدود ۱۰۴۰ هکتار می‌شود (شکل ۱۱ و ۱۷). ارتفاع سطح این محوطه از زمین‌های اطراف حدود

26. Stein 1937: 221.

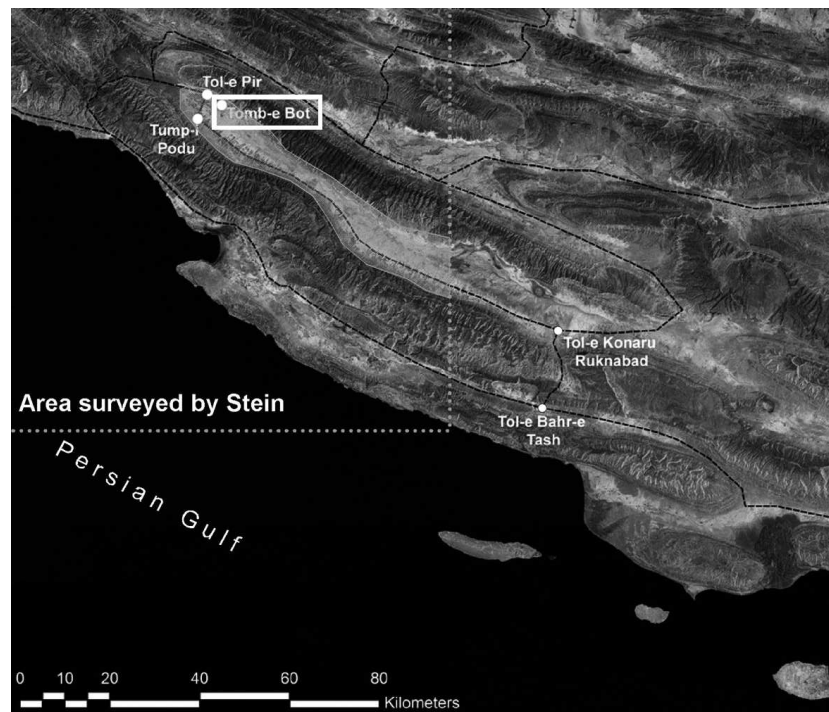
27. Herzfeld 1929, 1932.

28. Schmidt 1937, 1939; Langsdorff and McCown 1942; Egami and Masuda 1962; Alizadeh 1988, 2006; Fraser this issue.

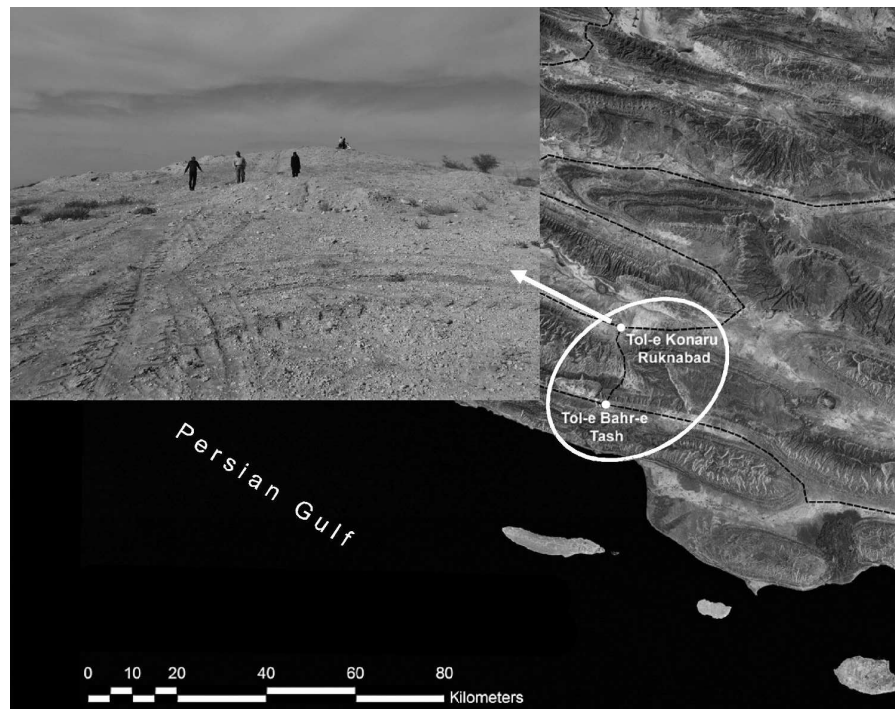
29. Asgari Chaverdi 2001.



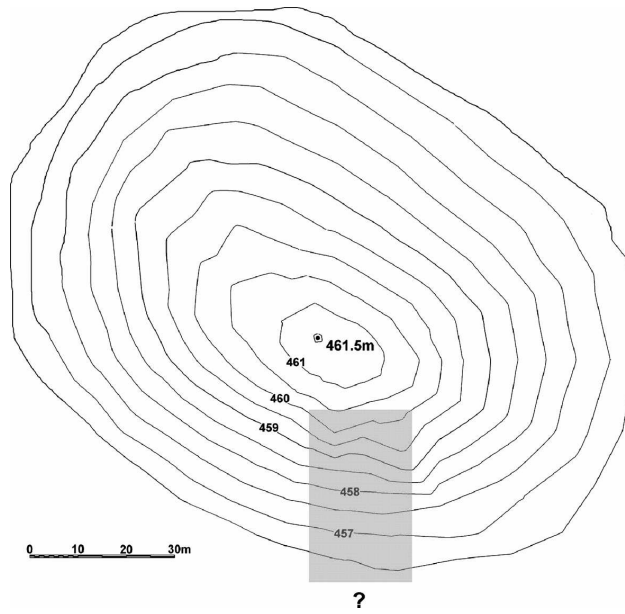
شکل ۱۴. بررسی‌های باستان‌شناسی فراگیر منطقه لامرد و مهر ۱۳۷۹-۱۳۸۶ (عسکری چاوردی).



شکل ۱۵. بررسی‌های تکمیلی دشت‌های کرانه‌ای خلیج فارس (اشتاین ۱۳۱۱، عسکری ۱۳۷۹).



شکل ۱۶. شناسایی محوطه‌های هزاره پنجم پیش از تاریخ در بررسی‌های نوین (عسکری ۱۳۸۶).



شکل ۱۷ الف. تصویر و نقشه توپوگرافی محوطه تل پیر هرج و ترسیم مکان احتمالی گمانه‌های اشتاین (نقشه‌بردار: استفانو تیلیا، آنجلا بیزارو، ۱۳۸۶).

۵ متر است (شکل ۱۷). بنابراین ارتفاع محوطه کمتر از ارتفاعی است که اشتاین گزارش کرده است و این مسئله نشان می‌دهد که محوطه به احتمال در پی خاکبرداری و تسطیح بر اثر شخم کم‌ارتفاع‌تر شده است (شکل ۱۰ و ۱۱). مسیر جریان رودخانه خشکی که این محوطه در امتداد آن واقع است، طبق آنچه اشتاین گزارش کرده، همچنان وجود دارد^{۳۰} (شکل ۹).

30. Stein 1937: 219, Plan 18.



شکل ۱۷ ب

۳۴ قطعه سفال به روش نمونه‌برداری اتفاقی از سطح این محوطه گردآوری شد که بخشی از این سفال‌ها ظروف منقوش (سفال‌های نخودی منقوش با رنگ سیاه) است. ۱۳ تراشه ابزار سنگی نیز در محوطه یافت شد (شکل ۱۹). در واقع، وجود این یافته‌ها سکونت هزاره پنجم پیش از میلاد را در این محوطه تأیید می‌کند (شکل ۲۴). اشتاین ذکر کرده است که از سطح این محوطه، به طور گسترده برای تدفین‌های دوره اسلامی استفاده شده، اما به استقرار و سکونت سایر مراحل استقراری در محوطه اشاره‌ای نکرده است. گورهایی که اشتاین در گزارش خود به آن‌ها اشاره کرده، امروزه چشم‌انداز گسترده‌ای بر

سطح محوطه ندارد، اما در بررسی اخیر، مجموعه سفال‌های نمونه‌برداری شده از این محوطه نشان می‌دهد که بخشی از یافته‌ها به دوره‌های هخامنشی و فراهخامنشی (۵ قطعه سفال)، ساسانی و اشکانی (۴ نمونه)، و اسلامی (۱۴ نمونه) تعلق دارد (شکل ۲۰). به استناد یافته‌های حاصل از بررسی جدید، می‌توان ادعان کرد که سکونت در محوطه تل پیر فقط به هزاره پنجم پیش از میلاد محدود نمی‌شود و این محوطه طی مراحل استقرار دوره‌های تاریخی و اسلامی مسکون بوده است.

در بررسی باستان‌شناختی سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۶، تعدادی محوطه دیگر در این حوزه زیستی شناسایی شد که نشان می‌دهد سکونت‌های هزاره پنجم پیش از میلاد به دشت گله‌دار محدود نمی‌شود. این محوطه‌ها در دشت لامرد و در کرانه ساحلی نزدیک به بندر گاوبندی قرار دارد (شکل ۱۵ و ۱۶). همچنین، بررسی روشمند و هدفمند انجام شده در محوطه تُمب بُت در فاصله ۲ کیلومتری شمال محوطه تل پیر، نتایج مهمی از سکونت دوره‌های گوناگون در این محوطه آشکار ساخت. این محوطه را، که در موقعیت جغرافیایی ۳۹.۱۲۲ ۰۵۲ طول شرقی و ۴۴.۲۶۸ ۲۷ عرض شمالی در ارتفاع ۴۶۰.۵ متر از سطح دریا در بخش کوهپایه دشت قرار دارد، در اساس با هدف شناخت دوره تحولات تاریخی پس از هخامنشیان بررسی واقع کردیم، اما نتایج حاصل از نظر درصد کمی و آماری سفال‌های دوره‌های گوناگون به‌ویژه دوره پیش از تاریخ در این محوطه حایز

اهمیت است.^{۳۱} در مجموعه آماری ۵۰ درصد کل سفال‌های نمونه‌برداری‌شده از سطح محوطه تُمب بُت، کمتر از یک درصد سفال‌ها (۱۷ قطعه سفال) نخودی منقوش از نوع سفال‌های هزاره پنجم پیش‌ازمیلاد است (شکل ۱۸). همین نوع سفال از محوطه‌ای بزرگ در همین دشت در فاصله ۴۰ کیلومتری جنوب شرقی تل پیر، به نام تل گُنا رو به دست آمد. محوطه تل گُنا رو در موقعیت جغرافیایی ۲۶.۰۵۳ ۰۵۳ طول شرقی و ۲۷ ۱۴.۹۶۶ عرض شمالی با ارتفاع ۴۰۲ متر از سطح دریا و در ۱۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر لامرد در شمال روستای گُنا رو واقع است (شکل ۱۶). علاوه بر وجود چشمه دائمی آب لاورخشت در مجاورت این محوطه، گذرگاهی طبیعی در این بخش از دشت وجود دارد که دسترسی دشت‌های جنوبی فارس به کرانه ساحلی خلیج فارس و استان هرمزگان را امکان پذیر می‌کرده است. این ویژگی‌ها شکل‌گیری استقرار دوره پیش‌ازتاریخ را در محوطه تل گُنا رو و در این بخش از منطقه از نظر زیستی و طبیعی توجیه می‌کند (شکل ۱۵). در امتداد همین مسیر به طرف بندر گاوبندی در کرانه ساحلی خلیج فارس، بر اثر کندوکاو بولدوزر آثاری از سفال‌های دوره پیش‌ازتاریخ در محوطه‌ای به نام تُل بَحرَتَش به‌دهه آشکار شده است. وجود این آثار در کنار مسیر اصلی شرق به غرب کرانه ساحلی و در کوهپایه شیبکوه ساحلی حائز اهمیت است (شکل ۱۶ و ۱۸). محوطه

31. Stein 1937: Plate XXVIII-XXIX; Fig. 10.



شکل ۱۸ الف. سفالینه‌های منقوش از محوطه‌های باستانی تُمب بُت و تل بحر تَش گاوبندی (پارسیان).



شکل ۱۸ ب

تل بحرتش در ۳ کیلومتری جنوب شرق روستای بهده در موقعیت جغرافیایی "۷۵۵' ۲۳، ۰۵۳° طول شرقی و "۶۱۵' ۰۵، ۲۷° عرض شمالی در ارتفاع ۳۰ متر از سطح دریا، در ۲۵۰ متری جنوب محور اصلی بندرعباس - بوشهر واقع است (شکل ۱۶). آثار این محوطه بر اثر کندوکاو بیل مکانیکی برای گذر خط لوله‌ گاز عسلویه به هرمزگان نمایان شد. این محوطه‌های پیش‌ازتاریخ در چارچوب بررسی فراگیر

روشن‌مند و منظم شناسایی شد، اما شناسایی محوطه‌های پیش‌از‌تاریخی بیشتر در دشت‌های لامرد و مهر و در کرانه ساحلی خلیج فارس در محدوده بندر گاوبندی (پارسیان) با بررسی‌های روشن‌مند و هدف‌مند امکان‌پذیر است. موقعیت جغرافیایی محوطه‌های پیش‌از‌تاریخ کشف‌شده در بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد که اشتاین موفق نشده این بخش از منطقه جنوب را بررسی کند و در مورد محوطه تُمب بُت در نزدیکی تل پیر، هم می‌توان گفت که وی این محوطه را بررسی نکرده است (شکل ۸). در واقع اشتاین از منطقه گاوبندی در مسیر بندرعباس به سیراف گذر کرده و در دشت گله‌دار و شهرستان امروزی مهر و لامرد تا روستای وراوی پیش رفته، اما به دلیل همکاری نکردن خان محلی و درگیری‌های قومی موفق نشده جنوب شرقی دشت و محدوده لامرد و اشکنان را بررسی کند (شکل ۶ و ۸).

مجموعه ظروف سفال نخودی منقوش اورل اشتاین

از محوطه تل پیر

واضح است که کاوش‌های اورل اشتاین در محوطه تل پیر در قیاس با حفاری‌های امروزی باستان‌شناختی چندان دقیق انجام نشده، اما وی در تدوین گزارش باستان‌شناسی این محوطه نهایت دقت را به کار گرفته است. اشتاین سفال‌های معرفی‌شده از این محوطه را بر اساس نام محوطه، گمانه و برشی که سفال‌ها از آن بخش به‌دست آمده، و حتی در مواردی عمق تک‌تک سفال‌ها را، مشخص کرده است. همچنین، وی

گزیده‌ای از تصاویر یافته‌های کاوش گمانه تل پیر^{۳۲}، را همراه با سفال‌هایی که به آنها در متن ارجاع داده شده در گزارش منتشر کرده است^{۳۳} (شکل ۱۲). با وجود این، اینکه چه تعداد سفال منقوش و غیر منقوش از کدام لایه یا برش به دست آمده و چگونگی طرح گزارش کاوش و انتخاب و انتشار گزیده‌ای از تصاویر سفال‌ها روشن نیست. اشتاین به‌وضوح بیان می‌کند که مجموعه یافته‌های به دست آمده از تل پیر بین موزه لندن و موزه پیبودی در هاروارد و دولت ایران تقسیم و مقدار کمی از یافته‌ها در مقر هیئت نمایندگی ایران در لندن به امانت نگه داشته شد.^{۳۴} امروزه، ۱۱ طرح و تصویر و ۷۸ قطعه سفال منتشر نشده در مجموعه بخش خاور نزدیک موزه لندن^{۳۵} و ۱۹ طرح و تصویر و ۲۱۰ تکه سفال منتشر نشده در مجموعه موزه پیبودی هاروارد

32. Stein 1937: 251-260.

33. Stein 1937: 252.

۳۴. در مجموع ۸۹ تکه سفال از محوطه تل پیر در فهرست کاتالوگ مرلین در موزه بریتانیا موجود است. همچنین، در این فهرست ۱۴۰ تیغه سنگی و تراشه به همراه یک مهر وجود دارد.

۳۵. نک، Stein 1937: 252, 256؛ ۷۱ مدخل برای مواد باستان‌شناسی با حرف اختصاری هر (Har)؛ (برگرفته از نام هرَج) در کاتالوگ موزه پیبودی هاروارد تعریف شده است که ۲۲۹ تکه سفال، ۱۲۲ تیغه و تراشه، یک مهر و یک چکش سنگی را شامل می‌شود. اشتاین ذکر کرده (Stein 1937: 252) عمده مواد باستانی نمونه برداری شده از بررسی‌های باستان‌شناسی سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۲ هجری شمسی حدود ۶۰۰۰ قطعه سفال بود که در تقسیم این مجموعه، ۶/۷ یافته‌ها به موزه پیبودی هاروارد و ۱/۷ آنها به موزه بریتانیا رسید.

نگهداری می‌شود.^{۳۶} وضعیت ۲۳ طرح و تصویر سفال و شماری نامشخص مواد باستان‌شناختی دیگر که نزد دولت ایران به امانت گذاشته شده و تعدادی طرح و تصویر به‌ودیعہ نگه‌داشته‌شده در مقر هیئت نمایندگی ایران در لندن همچنان مشخص نیست.^{۳۷} همه دست‌ابزارها و مصنوعات کشف‌شده از تل پیر هرج با نام اختصاری هر (Her) مشتق از دو حرف نخست نام روستای هرج در این مجموعه‌ها نامگذاری و طبقه‌بندی شده است. علاوه بر این مواد، از سه قطعه سفال نخودی منقوش به رنگ سیاه کشف شده از محوطهٔ تمب پُودو گله‌دار (با نام اختصاری پُودو نامگذاری شده)، دو تکه به دولت ایران و یک قطعه به موزهٔ پیبودی هاروارد اختصاص داده شده است.^{۳۸} محل امروزی نگهداری سفال‌های واگذار شده به دولت ایران و هیئت نمایندگی ایران در لندن مشخص نیست. همچنین، تاکنون تجزیه و بررسی آزمایشگاهی سفال‌های منتشرنشدهٔ موزه پیبودی هاروارد ممکن نشده است، لذا آنچه در ادامهٔ این مطلب می‌آید ارزیابی و بررسی همان یافته‌های باستان‌شناختی محوطهٔ تل پیر است که اشتاین در همان سال‌ها منتشر کرده و بخش دیگر تحلیل سفالینه‌هایی است که امروزه در موزهٔ لندن نگهداری می‌شد و تا این زمان منتشر نشده است.

36. Stein 1937: 252, 256.

37. Stein 1937: 259.

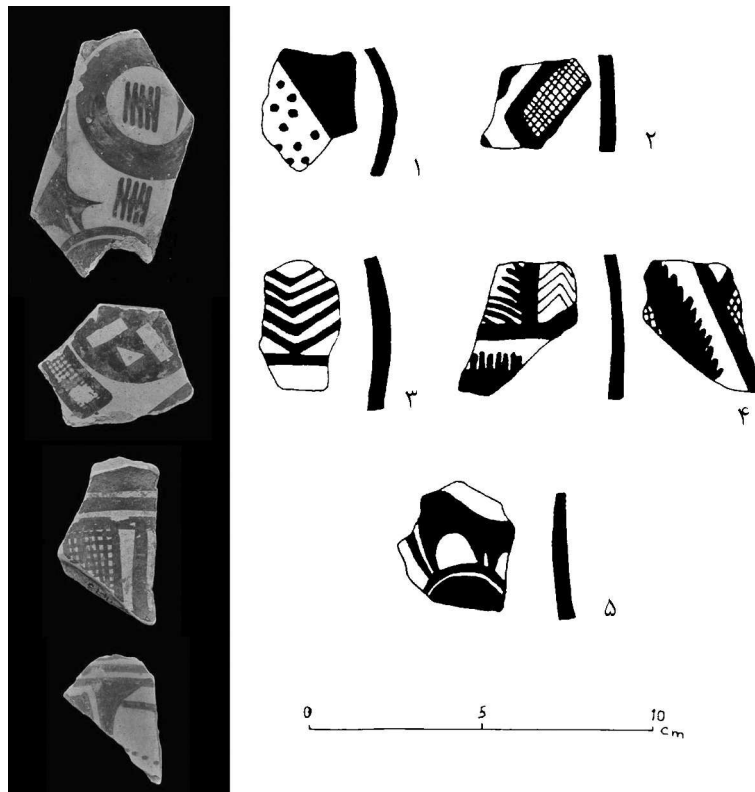
38. Stein 1937: 222, 1934: 133; also Weeks et al. 2006: 46.

توصیف اشتاین از سفال‌های تل پیر با سفال‌های نخودی منقوش شناخته شده از محوطه‌های جنوب و جنوب غرب مطابقت دارد: کیفیت ساخت این نوع سفال‌ها خوب است، خمیره آن‌ها به خوبی ورز داده شده، پخت مناسب و ظریف است و در مواردی که پخت نامناسب و خمیره خشن بوده، رنگ سفال مایل به زرد و نخودی است و اگر حرارت بیش از درجه لازم برای پخت بوده، رنگ سفال به قرمز روشن گراییده است. شکل شاخص ظروف سفالی کاسه و لیوان در اندازه‌های گوناگون و اغلب کف آن‌ها حلقوی تورفته و مخروطی شکل است. در کنار این ظروف، مجموعه کوچکی از تیغه‌های سنگی هم به دست آمده است. سبک تزئین بیشتر ظروف مشابه و یکنواخت و رنگ تزئینات به کاررفته در طیفی از سیاه تا سیاه مایل به قهوه‌ای و قرمز تیره است.^{۳۹}

از نظر اشتاین، عمده‌ترین طرح شاخص در تزئین ظروف سفالی تل پیر نوارهای موازی و مواج ساده به صورت منفرد یا چند طرح موازی همراه با هاشور و سایه‌روشن است. همچنین، طرح‌های هندسی چهارگوش، مستطیل یا مربع، نقش‌مایه شانه‌ای شکل، لوزی و زیگزاگ، دایره، صفحه‌های توپر دایره‌ای و قلبی شکل، هاشورهای متقاطع، نشانه‌ای، و خطوط نقطه‌دار ظریف کمابیش در طرح سفال‌های تل پیر در حال شکل‌گیری است^{۴۰} (شکل ۱۲). در بررسی اخیر، سفال‌های

39. Stein 1937: 222.

40. Stein 1934: 133, 1937: 222, also 1935, 1936.



شکل ۱۹. سفالینه‌های منقوش محوطه تل پیر هرج (عسکری ۱۳۷۹).

نمونه برداری شده از سطح محوطه، با آنچه اشتاین از سبک طرح سفال‌های تل پیر ارائه کرده، مطابقت دارد (شکل ۱۹). اشتاین ذکر کرده است که عمده عناصر و طرح سفال‌های کشف شده از تل پیر با نمونه شکل و طرح سفال‌های محوطه‌های بلوچستان مشابه است و

بین این سفال‌ها و سفال‌های تل باکون الف در نزدیکی تخت جمشید و شماری از محوطه‌هایی که وی در سال ۱۳۱۳ هجری شمسی در بخش‌های مرکزی فارس بازدید کرده، شباهت زیادی وجود دارد.^{۴۱} با وجود این، اشتاین به رغم معرفی شاخص‌ترین سبک طرح سفال‌های تل پیر، این طرح‌ها را با نمونه‌ی طرح‌های قابل مقایسه‌ی دیگر محوطه‌هایی که ذکر کرده، به طور خاص مقایسه و معرفی نکرده و آنچه در خصوص تاریخ‌گذاری محوطه‌ی تل پیر انجام داده، نوعی گاهنگاری ساده و کم‌وبیش نسبی است.

تل پیر و محوطه‌های هم‌افق

شایان یادآوری است که در بررسی و مقایسه‌ی سفال‌های کشف شده از محوطه‌ی تل پیر با سفال دیگر محوطه‌ها، مشخص شد که نمونه‌های تل پیر کم‌ترین شباهت را به سفال نزدیک‌ترین محوطه‌های هم‌جوار در این منطقه دارد. دلیل این موضوع، به احتمال به نبود پژوهش‌های باستان‌شناختی در مناطق دشت‌های ساحلی فارس باز می‌گردد و این طور نیست که واقعاً محوطه‌های باستانی مشابه با تل پیر در این مناطق وجود نداشته باشد. برای مثال، محوطه‌های هم‌زمان با تل پیر در دشت لار گزارش شده که حداقل ۷۰ کیلومتر از دشت گله‌دار و محوطه‌ی تل پیر فاصله دارد و اطلاعات گاهنگاری این محوطه‌ها هم

41. Askari Chaverdi pers comm. 2008.

به‌درستی روشن نیست.^{۴۲} در برخی از دشت‌های فارس، محوطه‌های باستانی همزمان با تل پیر وجود دارد که عمده این دشت‌ها از طریق راه‌های میان‌کوهی در رشته‌کوه‌های زاگرس با دشت گله‌دار مرتبط است. برای نمونه، دشت‌هایی مثل دشت بوشهر، ممسنی، فیروزآباد، حوضه رود گر، سروستان، فسا، داراب، و حتی شاه‌مران، دولت‌آباد و هلیل‌رود با دشت گله‌دار مرتبط بوده است (شکل ۱ و ۴). بخش عمده این دشت‌ها را، نخستین بار در سال ۱۳۱۳ هجری شمسی اشتاین بررسی کرد.^{۴۳} عمده آثار کشف شده از این محوطه‌ها با آثار تل پیر شباهت بسیار دارد و شباهت آن‌ها بیش از آثار منطقه بلوچستان است که اشتاین تل پیر را با آن منطقه مشابه دانسته است.

شمار روزافزون اطلاعات حاصل از کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناختی سفال‌های دوره باکون در فارس از دوره اورل اشتاین تا دهه‌های اخیر ترسیم چشم‌انداز فضایی و گاهنگاری نسبی سفال‌های منسوب به دوره باکون از محوطه تل پیر را ممکن کرده است. همان‌گونه که اشاره کردیم، اتفاق نظر عمومی در خصوص گاهنگاری دقیق سفال دوره باکون فارس وجود ندارد و پژوهشگران برای تاریخ‌گذاری یافته‌های این دوره از اصطلاحات خاصی نظیر باکون قدیم، میانه و جدید استفاده

42. Stein 1935, 1936.

43. e.g. Voight and Dyson 1992: 137-140; Alizadeh 2006: 11-12; Potts et al. 2006: 8; Taylor 2007: 32-43.

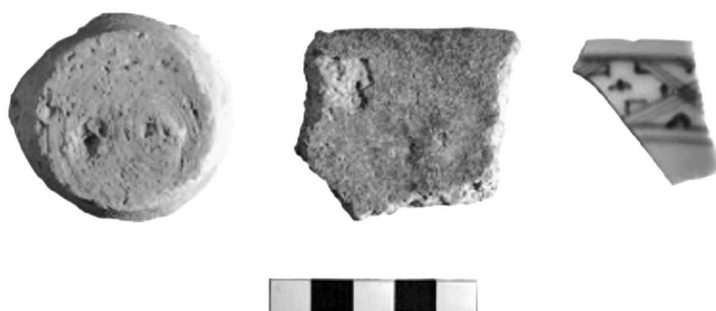
می‌کنند.^{۴۴} بدین ترتیب که مواد باستانی لایه‌های کهن تل باکون الف و لایه‌های بالایی تل گپ در مقایسه با هم به عنوان یک مقوله روشن و مشخص از طبقه‌بندی سفال این دوره به کار رفته است که مقدم بر گاهنگاری پیشنهادی علیزاده،^{۴۵} ویوگت، دایسون، پاتس و تایلر آن را به کار گرفته‌اند. بر این اساس، مبنای تعیین تعلق به فرهنگ باکون کهن، که در اینجا باکون قدیم (اولیه) نامگذاری شده، مواد باستانی لایه‌های بالایی تل باکون الف (لایه ب ۲)، و تل جری الف (لایه الف ۱)، بوده است. به همین ترتیب، مبنای تعیین تعلق به فرهنگ باکون میانه، مواد فرهنگی با گاهنگاری نسبی از تل گپ (لایه ۱-۲ الف و لایه‌های بالایی تل گپ ۲ ب - سی) است که به عناصر تزئینی کشف‌شده از لایه‌های تحتانی تل باکون الف (۱-۲)، مشابهت دارد. همچنین سفال‌های کشف‌شده از لایه‌های بالایی تل باکون الف (لایه‌های ۳-۴)، که با سفال‌های کشف‌شده از شمال منطقه فارس در تل نخودی و ده‌بید مشابه است، مبنای فرهنگ سفال دوره باکون جدید قرار گرفته است.

نقش‌مایه‌های تزئینی

مبنای مبهمی در اتکا به نقش‌مایه‌های تزئینی سطح سفال‌ها به عنوان معیار منحصربه‌فرد برای تشخیص گاهنگاری نسبی و تاریخ‌گذاری به‌ویژه در سفال‌های نخودی منقوش دوره مس‌سنگی ایران وجود دارد.

44. Alizadeh 2006.

45. Alizadeh 2006: 75.



شکل ۲۰. سفال‌های دوره‌ی فراهخامنشی، ساسانی و اسلامی از سطح محوطه‌ی تل پیر.

علیزاده اعتقاد دارد نقش‌مایه‌های تزئینی سطح سفال‌ها به بافت و بستری باز می‌گردد که ظرف سفالی در آن استفاده شده است و در این میان عواملی نظیر تشابه ترکیب نقش‌مایه‌ها و نمایش نقش در سطحی باز یا محدود، تقارن و تکرار نقش‌ها و نوع ظرفی که نقش بر آن آمده، همه از همبستگی، تطبیق و سازگاری بین مجموعه‌ی ظروف سفالی محوطه‌های گوناگون حکایت دارد.^{۴۶} به نظر می‌رسد از مشابهت نقوش در نقش‌مایه‌های تزئینی به‌کاررفته بر سطح ظروف سفالی و چگونگی استفاده از فضای سطح ظرف برای ایجاد نقش و به‌کارگیری

۴۶. لازم به یادآوری است، شماری از قطعه سفال‌های ارائه شده در تصویر شماره ۱۳ برای نخستین بار معرفی شده‌اند. سفال‌های مذکور در این تصویر ۱۳ ب آی آی و ۱۳ د- ف است. در این تصویر، سفال‌های تل ریگی برای نخستین بار معرفی می‌شوند اما سفال‌های تل باکون الف از گزارش منتشر شده لانگسدورف و مک‌کون (۱۹۴۲) و هرتسفلد برگرفته شده است (۱۹۲۹).


















نقش‌هایی خاص در شکل خاصی از ظروف، می‌توان با قطعیت بیشتری برای تعیین گاهنگاری نسبی مجموعه ظروف سفالی استفاده کرد. در همین چارچوب، تصاویر ظروف سفالی تل پیر در شکل ۱۹ و ۲۱ آمده و در شکل ۲۱، ظروف تل پیر با نمونه‌های مشابه از محوطه‌های دیگر مقایسه شده است.^{۴۷}

غالب ظروف تل پیر به خطوط و نوارهای باریکی مزین است و مشابه این نوع نقش تزئینی در ظروف کشف‌شده از محوطه‌های باستانی حوزه جنوب و جنوب غرب ایران، طی دوره‌های آغازین، میانه و اواخر هزاره پنجم پیش از میلاد وجود دارد. بنابراین، آنها را نمی‌توان شاخصه قابل اعتماد گاهنگاری برای تعیین مراحل زمانی هر دوره و جزئیات دقیق مراحل سکونتی هر مرحله استقرار به حساب آورد. غالب سفال‌های منقوش نمونه‌برداری شده از محوطه‌های تُمب بُت، تُل گُناَر و رُکن آباد و تل بحر تَش منقوش به نوارها و خطوط باریک است، اما تعیین گاهنگاری دقیق آنها و اینکه این محوطه‌ها در چه مقطع زمانی از هزاره پنجم پیش از میلاد مسکون شده، ممکن نیست. خوشبختانه، یافته‌های سفالی از محوطه تل پیر طیف متنوع و منحصر به فردی از نقش‌مایه‌ها و ترکیب نقوش را شامل می‌شود که تعیین گاهنگاری دقیق مراحل سکونتی این محوطه را به سهولت ممکن ساخته است. از عمده‌ترین نقش‌مایه‌های شاخص در تزئین سفال‌های منقوش محوطه

47. Stein 1936.

تل پیر، نقش‌مایه شاخ‌های مسبک قوچ است که اغلب بر سطح پایه ظروف جامی‌شکل به کار رفته است (شکل ۲۱). این شیوه تزئین در محوطه تل باکون الف، طی مراحل استقرار سه و چهار و به همین شکل در محوطه تل ریگی کمال‌آباد فیروزآباد در تزئین سطح ظروف کاربرد داشته است (شکل ۱۲، ظروف سفالی شماره iv.16 و xii.18 و شکل ۲۱، ردیف نخست؛ در هر سه محوطه تل پیر، تل باکون الف و تل ریگی). محوطه تل ریگی در بخش کمال‌آباد فیروزآباد واقع است. اشتاین این محوطه را در سال ۱۳۱۳ هجری شمسی کاوش کرد.^{۴۸} کاسه‌های منقوش به نقوش ساقه‌برگ‌ها و هاشورهای متقاطع در بخش‌های تعریف‌شده متوالی بر سطح ظرف، موضوع تزئین نقش کاسه‌های تل پیر و باکون الف است (شکل ۱۲، v.2 و vi.43 و شکل ۲۱، ردیف دوم؛ در دو محوطه تل پیر و تل باکون الف). به همین ترتیب، ردیفی از نوارهای موازی آویزان محاط به نواری در حاشیه داخلی لبه کاسه‌ها در تل پیر و تل باکون الف وجود دارد (شکل ۲۱، ردیف سوم). استفاده از نوارهای موج مسبک (زیگزاگ)، در بخش وسیعی از سطح ظروف متنوع کاسه‌ای‌شکل در تل باکون الف، تل ریگی، تل گپ رواج داشته و به‌کارگیری نوارهای موج موازی پهن و اختصاص بخشی از این سطح به هاشورهای متقاطع در باکون الف به ظروفی منحصر است که طی کاوش‌های آغازین هرتسفلد در آنجا به

48. Fraser 2003.

تل پیرو	تل بوکان الف	تل ریگی
		
		
		
		
		
		
		
		

شکل ۲۱. جدول مقایسه‌ای سفال: نخستین دهکده‌های فارس: تل پیرو، تل باکون و تل ریگی.

دست آمده است (شکل ۱۲، vi.25; vii.36؛ شکل ۲۱ ردیف‌های چهارم و پنجم در محوطه‌های تل باکون الف و تل پیر). نمونه‌هایی از تزئین مسبک در شکل‌های چهارگوش منقوش، برگی‌شکل، حلقه‌ها، هاشورهای متقاطع یا دایره‌های تقسیم‌بندی‌شده، طرح‌های شطرنجی، و طرح‌های منفرد خال‌مانند در تزئین ظروف تل باکون الف مرحله ۳ و ۴ و در غالب ظروف تل ریگی به موازات هم به کار رفته است (شکل ۱۲، vi.44; vii. 37; viii.11 و شکل ۲۱، ردیف‌های ۶، ۷ و ۸ در محوطه‌های تل پیر، تل باکون الف، تل ریگی). به احتمال فقط آن قطعه‌سفال‌های تل پیر که به نمونه طرح‌های تزئینی محوطه تل باکون الف شبیه نیست، ظروف با تزئین شاخ‌های متوالی است (شکل ۱۲، iv. 16; iv. 21-22; iv.25; v.46). در این مورد، بهترین نمونه‌های شبیه ظروف تل پیر، ظروف لایه‌های گوناگون تل گپ است (شکل ۲۱).

عمده یافته‌های اورل اشتاین از محوطه تل پیر با نمونه‌هایی از لایه‌های متأخر تل باکون الف (مراحل استقراری ۳ و ۴)، شبیه است (شکل ۲۱) و بر همین اساس حدس زده می‌شود که تل پیر در اواخر دوره باکون، به احتمال در اواخر هزاره پنجم پیش از میلاد (۴۲۰۰-۴۵۰۰ پیش از میلاد)، مسکون بوده است^{۴۹} (شکل ۲۴). بر اساس این واقعیت که در مراحل استقراری تل پیر، نمونه‌هایی مشابه با نمونه‌های محوطه تل ریگی وجود دارد، و هم اینکه نمونه‌های مشابهی در تل

49. Voigt and Dyson 1992: 137-140.

ریگی و تل باکون الف وجود دارد، می‌توان چنین نظر داد که حداقل بخشی از مراحل سکونتی در این سه محوطه هم‌عصر بوده است. تنها نقش‌مایه‌های محوطه تل پیر که کهن‌تر به نظر می‌رسد، ردیف شاخ‌های منقوش منسوب به دوره باکون میانه است (شکل ۱۲). این از جمله مواردی است که هم نشان می‌دهد تل پیر طی هزاره پنجم پیش از میلاد مسکون بوده و هم بر این مسئله تأکید می‌کند که فقط بخشی از مراحل استقرار تل پیر کاوش شده است. در نمونه‌های تل پیر هیچ‌کدام از نقش‌مایه‌های مثلث‌های توپر، ظروف جامی شکل با کف مسطح با تزئین نقش‌مایه‌های حیوانی و نقطه‌های خال‌مانند یا کوزه‌های بزرگ با لبه صاف و مزین به نوارهای منقوش وجود ندارد که مدارک روشنی از دوره باکون میانه است.^{۵۰}

ساختار و چگونگی سکونت هزاره پنجم پیش از میلاد در کرانه‌های خلیج فارس (لامرد و مهر)

تل پیر و سایر محوطه‌های باستانی که به آن‌ها اشاره کردیم، همراه با آثار و یافته‌های کشف‌شده از آنها، در دشت‌های کرانه‌ای لامرد و مهر از شاخص‌ترین محوطه‌های باستانی نزدیک به ساحل خلیج فارس طی هزاره پنجم پیش از میلاد است (شکل ۴). هر چند، امروزه این محوطه‌ها تا حدودی دور افتاده و کمتر به آنها توجه می‌شود.

50. Stein 1934: 134; 1937: 228, 232.

پس از کاوش‌های تل پیر، اورل اشتاین به دلیل درگیری‌های محلی نتوانست کرانه‌های داخلی فارس را در محدوده لارستان و فیروزآباد بررسی کند و به همین دلیل مسیر سفر وی در امتداد کرانه ساحلی به طرف بوشهر تغییر کرد^{۵۱} (شکل ۶). در این خصوص، اشتاین ذکر کرده که در بررسی ساحل خلیج فارس از میناب تا بوشهر محوطه‌ای از هزاره پنجم پیش از میلاد به دست نیاورده است.^{۵۲} وی در خصوص نبود محوطه‌های دوره مس‌سنگی در کرانه ساحلی حدس می‌زند این موضوع به ارتفاع و تغییر آب سطح دریا مربوط باشد،^{۵۳} و البته این حدس می‌تواند دلیلی احتمالی باشد، اما باید توجه کرد که مسیر بررسی اشتاین ساحل و نزدیک به دریا بوده و این بخش از ساحل ناگزیر تحت تأثیر تغییر سطح آب دریا قرار داشته است.^{۵۴} این واقعیت که اشتاین تلاش کرده در بخشی از این مسیر به طرف بوشهر از قایق استفاده کند، نشان می‌دهد بررسی وی بررسی منسجم و روشمندی برای شناسایی محوطه‌های باستانی این بخش از ساحل نبوده است.^{۵۵} در ادامه سفر اشتاین برنامه وی برای شناسایی آثار باستانی پیش از تاریخ با آنچه وی در دشت گله‌دار انجام داده متفاوت می‌شود بدین معنی که از دره‌های

51. Stein 1937: 236-237.

52. Stein 1937: 237.

53. Stein 1937: Map No. 2.

54. Stein 1937: 230-231.

55. Stein 1937: 198-200.

میان‌کوهی و سلسله‌کوه‌های ممتد ساحلی می‌گذرد و از آن پس همهٔ مسیرش ساحل نزدیک به دریاست. در زمانی هم که فرصتی برای بررسی دشت‌هایی نظیر دشت گولشان به دست می‌آورد، تأکید می‌کند که فرصت برای پژوهش‌های باستانی نیست و باید زود حرکت کرد.^{۵۶} فراتر از تمام این موضوع‌ها، نکتهٔ کلیدی در مورد بررسی اشتاین اتکای وی به تحقیقات محلی و استفاده از اطلاعات مردم برای وجود یا نبود آثار باستانی در مسیر بررسی است.^{۵۷}

بررسی‌های باستان‌شناختی ویلیامسون و مارتا پریکت در ساحل و دشت‌های پس‌کرانه‌ای خلیج فارس به‌مراتب از بررسی‌های اورل اشتاین منسجم‌تر و متمرکزتر است و با طبقه‌بندی و ارجاع به هر مجموعه سفال نمونه‌برداری شده همراه بوده،^{۵۸} اما به رغم این وضعیت آنها فقط موفق شدند یک محوطهٔ پیش‌ازتاریخی^{۵۹} در کرانهٔ ساحلی بوشهر

56. e.g. Stein 1937: 199.

57. Kennet and Priestman 2002; Priestman 2003, 2004.

58. Priestman pers. comm.

59. Whitehouse and Williamson 1973: 35, n.32;

در پانوش شمارهٔ ۳۲، در یادداشت‌های سال ۱۹۷۳ وایت هاووس و ویلیامسون ذکر می‌کنند که محوطه H200، و سکونت پیش‌ازتاریخ کرانه‌های ساحلی به وسیله مارتا پریکت در جای دیگری منتشر خواهد شد، اما متأسفانه این گزارش منتشر نشد. آنچه حایز اهمیت است اینکه آنها هیچ محوطه پیش‌ازتاریخی در دره گله‌دار کشف نکردند و هم اینکه پس از اشتاین، بررسی باستان‌شناسی مجددی به ویژه در خصوص محوطه‌های مورد بحث در این محل انجام نشده است.

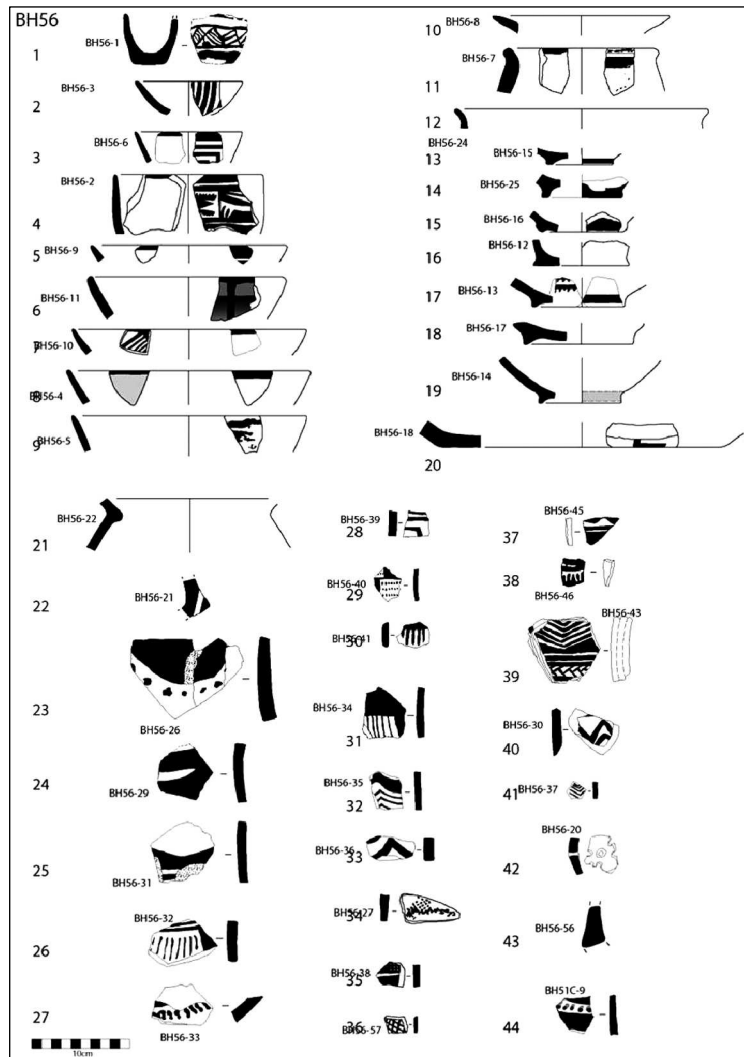
شناسایی کنند^{۶۰} (شکل ۷). این محوطه با شماره ۲۰۰ در بررسی به ثبت رسیده و دراصل به عنوان محوطه‌ای از دوره عبید ثبت شده که یافته‌های سطحی آن به یافته‌های محوطه‌ای از همین دوره در جنوب خلیج فارس شباهت دارد.^{۶۱} کارتر در بررسی و ارزیابی مجدد یافته‌های سفالی این محوطه به این نتیجه رسید که نمونه سفال‌های این محوطه با شکل و نقش‌مایه‌های تزئینی ظروف دوره سوزیانی میانه ۲ در خوزستان و دوره عبید ۲ یا حاجی‌محمد در بین‌النهرین شبیه است و شباهت‌های کلی بین مجموعه سفال‌های این دوره از جنوب ایران و بین‌النهرین وجود دارد.^{۶۲} طی بررسی‌های بازنگری مناطق همجوار ساحلی بوشهر، کارتر و همکارانش موفق شدند محوطه‌ای با سفال‌های نخودی منقوش سیاه‌رنگ شناسایی کنند که در بررسی با شماره ۵۶ به ثبت رسید^{۶۳} (شکل ۲۲). بررسی سفال‌های نمونه‌برداری شده در این محوطه مراحل استقرار گوناگونی را نظیر مرحله سبز در دهلران، مرحله ۲ باکون ب، مراحل استقرار ۱ الف و ب در تل‌گپ، نورآباد، جوی ۲، بندبال ۲، و سوزیانی میانه ۳ در چغامیش مشخص کرد و نشان داد که تمام این مراحل استقرار از محوطه شماره ۲۰۰ متأخرتر است، و تاکنون سفال‌های این محوطه به دوره‌های

60. Oates 1983: 255-256.

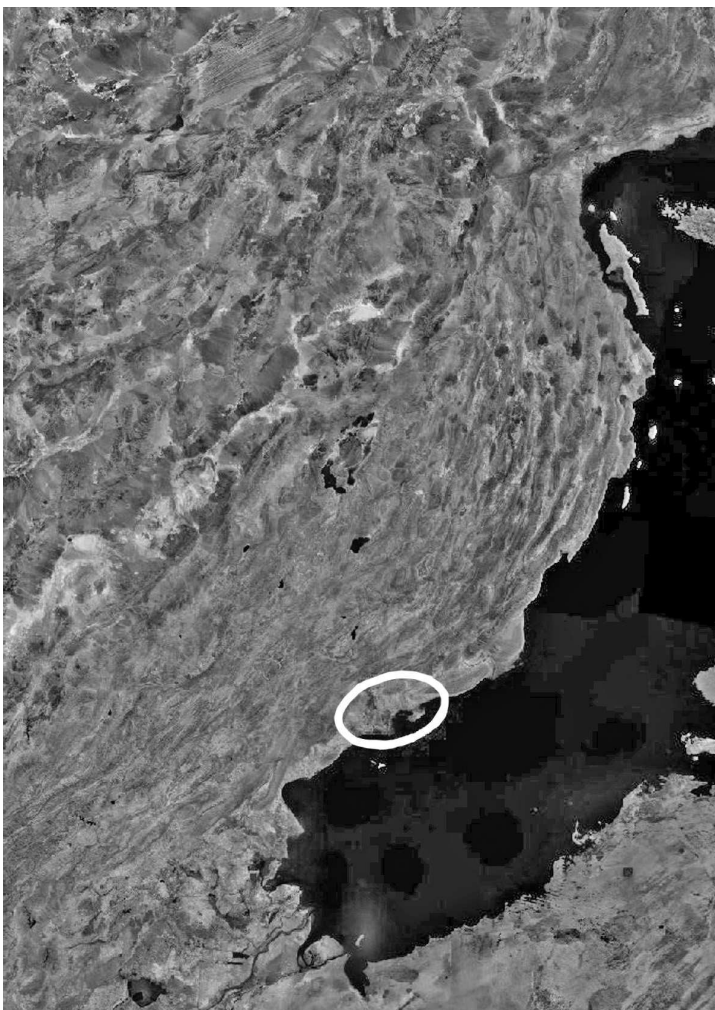
61. Carter et al. 2006: 78; also Carter in preparation.

62. Carter et al. 2006.

63. Carter et al. 2006: 78-79.



شکل ۲۲ الف. محوطه‌های شماره ۵۶ و ۲۰۰، بوشهر، اواخر هزاره پنجم پیش از تاریخ به بعد (کارتو و همکاران ۲۰۰۶).



شکل ۲۲ ب

آغازین یا میانه هزاره پنجم پیش از میلاد تاریخ گذاری نشده و بر همین اساس نمی توان گفت که محوطه شماره ۵۶ از تل پیر کهن تر است.^{۶۴} در حد فاصل محدوده محوطه ۵۶ در بوشهر تا بخش های غربی کرانه های ساحلی خلیج فارس در خوزستان، بررسی روشمند باستان شناختی با هدف شناسایی محوطه های پیش از تاریخ انجام نشده، لذا از وجود محوطه های پیش از تاریخ در کرانه های ساحلی این قسمت اطلاعی در دست نیست و بررسی های روشمند باستان شناختی در کرانه های ساحلی حد فاصل بوشهر تا خوزستان ضروری به نظر می رسد.

محدودیت برنامه های پژوهشی باستان شناختی در کرانه های شمالی ساحل خلیج فارس و به همین نسبت در پس کرانه ها باعث پنداشت نبود محوطه های دوره پیش از تاریخ در این قسمت ها شده است. یکی از جنبه های مورد توجه اینکه ما در مورد محدود بودن یا نبود محوطه های باستانی طی دوره ای طولانی در کرانه های ساحلی خلیج فارس صحبت می کنیم و مهم تر اینکه تاریخ معدود محوطه های کشف شده در این قسمت ها نیز به هزاره پنجم پیش از میلاد باز می گردد. پرسش های مطرح در این زمینه ناشی از این است که بررسی های هدف مند و روش مند باستان شناختی در این قسمت ها انجام نشده و این مسئله باعث نداشتن درک صحیح از پراکنش محوطه های پیش از تاریخ در کرانه های ساحلی شده که نوعی ضعف بنیادی محسوب می شود.

64. Oates et al. 1977; Frifelt 1989; Potts 1990.

منابع زیستی

مدارک به‌نسبت کافی در خصوص سکونت‌های هزارهٔ پنجم پیش‌ازمیلاد در کرانه‌های ساحلی جنوب خلیج فارس وجود دارد که نشان‌دهندهٔ بهره‌برداری از منابع دریایی، نظیر جمع‌آوری توده‌های بزرگ صدف، است.^{۶۵} هر چند زندگی اجتماعی ساکنان دو طرف ساحل خلیج فارس طی هزارهٔ پنجم پیش‌ازمیلاد متفاوت بوده، این بدان معنی نیست که ساکنان کرانه‌های شمالی ساحل خلیج فارس از منابع نزدیک به دریا استفاده نکرده‌اند. احتمالاً مبنای معیشت زیستی ساکنان کرانه‌های ساحلی شمال خلیج فارس منابع دریایی بوده و علاوه بر آن از منابع زیستی دیگری استفاده می‌کرده‌اند که امروزه مشخص نیست. احتمالاً بخشی از منابع معیشتی ساکنان محوطه‌های پیش‌ازتاریخ کرانه‌های ساحلی، امروزه زیر آب‌های ساحلی خلیج فارس رفته است. بررسی‌های روشمند نو نشان داده است که شناخت بافت و بستر اولیهٔ پیدایش سکونتگاه‌های پیش‌ازتاریخ کرانه‌ای را باید در چارچوب فرایندهای ژئومورفولوژیک ساحلی بررسی کرد.

وجود آثار و مدارک زیستگاه‌ها و سکونتگاه‌های پیش‌ازتاریخی در دشت گله‌دار و بخش‌های پیرامون آن به‌فراوانی مشهود است، اما در بخش‌های ساحلی موضوع تفاوت می‌کند. با وجود این، هنوز تمام استقرارهای پیش‌ازتاریخی این مناطق شناسایی نشده است.

65. Helwing and Seyedin 2006, 2007, in press; Petrie et al. 2007.

پژوهش‌های اخیر در دشت‌های ممسنی و تنگ بلاغی پاسارگاد نشان داد که احتمال دارد بر اثر فرایندهای آبرفتی محوطه‌های باستانی پوشانده شود و این فرایندها بر ریخت‌شناسی یا پراکنش محوطه‌های باستانی پیش‌ازتاریخ تأثیر بگذارد^{۶۶} (شکل ۲۳).

این موضوع ممکن است در بخش‌های ساحلی و هم در دشت‌های میان‌کوهی به‌ویژه در بخش‌های مجاور رودخانه‌ها، جریان‌های فصلی، مسیر سیلاب‌ها و رسوبات آبرفتی اتفاق بیفتد. تصویر ماهواره‌ای دشت گله‌دار نشان می‌دهد (شکل ۱۵)، که همه محوطه‌های پیش‌ازتاریخی در بخشی واقع شده که امروزه حاصلخیز و قابل کشت است. با وجود این، بخشی از این دشت نیز خالی از هر نوع محوطه باستانی است (شکل ۱۴). در دهه‌های اخیر به واسطه استفاده از فناوری بخش عمده‌ای از دشت گله‌دار برای کشاورزی و سکونت استفاده شده است. در این بخش‌ها احتمال دارد که محوطه‌های پیش‌ازتاریخی وجود داشته باشد که در بررسی شناسایی نشده یا اینکه در فرایندهای آبرفتی زیر رسوبات دشت ناپدید شده است. با بررسی و تحلیل ژئومورفولوژی رسوبات این دشت می‌توان، در مورد چگونگی زمین‌های دشت در دوره‌های پیش‌ازتاریخ، به پرسش‌های بیشماری را پاسخ داد. وجود چند استقرار پیش‌ازتاریخی در مجاورت هم در بخش غربی دشت گله‌دار و موقعیت سایر محوطه‌های این دوره در بخش خروجی

66. Stein 1937: 198.



شکل ۲۳. تاثیر فرایندهای آبرفتی در پوشش محوطه‌های باستانی و شناسایی آنها با استفاده از تصاویر هوایی (سمت راست) و ژئوفیزیک اکتشافی (سمت چپ)، تنگ بلاغی، فارس (تصاویر از: مرکز اسناد تخت جمشید).

دشت در مسیر ساحلی (شکل ۱۴ و ۱۵) به صورت منطقی به طرح پرسش‌هایی منجر می‌شود، نظیر اینکه چرا این محوطه‌ها در این بخش‌ها واقع شده و چگونه ساکنان این استقرارها با هم در ارتباط بوده‌اند. اشتاین مشاهده کرده است که ساحل این قسمت خشک و لم‌بزرع بوده و در زمان سفر وی کم‌وبیش کشاورزی در تمام ساحل وجود نداشته است.^{۶۷} «اشتاین در خصوص راه‌های تجاری که اغلب در بخش‌های شرقی سیراف واقع است، به وفور منابع غذایی و چراگاه‌های دامپروری اشاره دارد که از منطقه گله‌دار تأمین می‌شود» و این مسئله «از عوامل مهم رونق راه‌های تجاری کهن در منطقه ساحلی است». وی عقیده دارد که «سرسبزی دشت گله‌دار نشان می‌دهد که شرایط آب‌وهوایی این دشت به مراتب از خطه ساحلی مساعدتر و مناسب‌تر بوده است».^{۶۸} بر اساس مشاهدات اشتاین، و وجود چند محوطه باستانی هزاره پنجم پیش از میلاد، می‌توان چنین نظر داد که به رغم محدودیت بارش و گرمای هوا، وجود سکونتگاه‌های یکجانشین و وابسته به منابع زیستی در دشت گله‌دار غیر ممکن نبوده است. آنچه وضعیت دشت گله‌دار را با شرایط زیستی بخش ساحلی متفاوت نشان می‌دهد، این مسئله است که رشته‌کوه‌های باریک و بلند ساحلی در این قسمت وجود دارد که گذر از ستیغ آنها بر اساس گزارش اشتاین

67. Stein 1937: 217-218.

68. Stein 1937: 214.

به‌سختی امکان‌پذیر بوده و فقط راه‌های مال‌رو از آنها گذشته است.^{۶۹} به دلیل وجود این رشته‌کوه بلند ساحلی، دشت گله‌دار شرایط آب‌وهوایی به‌نسبت مناسبی برای وجود زیستگاه‌های انسانی در دوره پیش از تاریخ داشته و به همین دلیل هم با توجه به شرایط زیستی متفاوت با خطه ساحلی باید وجود سکونتگاه‌های انسانی را در این دشت انتظار داشت.

به‌وضوح مشخص است که بین مناطق ساحلی و پس‌کرانه‌ای خلیج فارس در هزاره پنجم پیش از میلاد ارتباط وجود داشته است، زیرا از محوطه‌های حوضه رود گُر و منطقه ممسنی صدف دریایی و استخوان وال از نوع وال خلیج فارس به دست آمده است.^{۷۰} مواد دریایی خلیج فارس به طور قطع از طریق راه‌های زمینی به سرزمین‌های داخلی راه پیدا کرده و در این فرایند ساکنان هزاره پنجم پیش از میلاد در دشت گله‌دار بی‌تأثیر نبوده‌اند. معهدا سازوکار چرخه تجاری و انتقال مواد از دریا به بخش‌های داخلی مشخص نیست.

گنش‌های اجتماعی

شباهت‌های متقاعدکننده بین سفال‌های دوره متأخر باکون از محوطه تل باکون الف مرودشت، تل ریگی فیروزآباد و تل پیر گله‌دار احتمالاً

69. Alizadeh 2006: 81; Egami and Masuda 1962: 6; Mashkour 2006: 137.

70. Langsdorf and McCown 1942; Sumner 1994: 59; Helwing and Seyedin 2006, 2007; Alizadeh 2006; Carter et al. 2006; Petrie et al. 2007.

نشان‌دهنده نوعی گنش متقابل بین ساکنان این سه محوطه است، و این موضوع را هم نشان می‌دهد که ساکنان تل پیر با شبکه‌های وسیعی در ارتباط بوده‌اند (شکل ۴، ۲۱ و ۲۴). چگونگی بافت و بستر این شبکه ارتباطی مشخص نیست. پرسشی که بلافاصله به ذهن خطور می‌کند این است که در کدام محل سفال‌ها تولید می‌شده است؟ مدارکی از محوطه‌های حوضه رود گر، تنگ بلاغی، و محوطه‌های دیگر وجود دارد که مشخص می‌کند به احتمال زیاد تولید سفال در دوره باکون فعالیتی تخصصی بوده است.^{۷۱} بنابراین، بر اساس این مدارک پنداشته می‌شود که سفال در غالب محوطه‌ها تولید نمی‌شده، بلکه نوعی شبکه تبادل سفال در حوضه رود گر وجود داشته و به احتمال بین این منطقه و سایر مناطق نیز فعال بوده است (شکل ۴). اینکه ظروف سفالی به دوردست‌ها حمل می‌شده، یعنی بین تل باکون الف در مرودشت و تل پیر در گله‌دار، موضوع متفاوتی است. عمده سفال‌های عمومی باکون نوعی ظروف کاسه‌ای شکل ظریف است که

۷۱. این طرح می‌تواند در چارچوب برنامه تجزیه و تحلیل عنصری مواد چند محوطه باستانی با هدف شناخت هویت مشترک مواد ساخت سفال‌ها و هم با اتکاء به بن‌مایه نقش‌های تزئینی مشابه سطح سفال‌ها انجام شود. در این چارچوب می‌توان ساختار علمی روشمندی تعریف کرد که در چارچوب آن هم هویت و اصالت پراکنش و توزیع سفال‌های هزاره پنجم پیش از تاریخ فارس بر اساس جنبه‌ها و تولیدات محلی و هم این موارد در طیفی زمانی در مناطق مختلف نشان داده شوند. این آزمایش‌ها انجام نشده است و به انجام این نوع آزمایش‌ها برای تفسیر جوامع پیش از تاریخ در فارس نیاز است.

Chronology	Susiana	Fars	Fasa/Darab	Daulatabad/ Soghun	Kerman
7000	Formative Susiana?				
	Arch. Susiana 0				
6500	Arch. Susiana 1				
	Arch. Susiana 2	Mushki			
6000	Arch. Susiana 3	Mushki-Bashi	Jalyan		
		Jari	Bizdan		
5500	E. Susiana			E. Yahya VII	
		Shamsabad	?	Yahya VII (Shamsabad)	
5000	M. Susiana	E. Bakun		Yahya VI (E. Bakun)	Iblis 0/I (Shm/E.Bak)
4500	L. Susiana/Susa I	M. Bakun	Chalcolithic	Yahya VC (M. Bakun)	E. Iblis II (M.L. Bak/Lapui?)
				Yahya VD	
4000	Terminal Susiana	Lapui	?	Yahya VA (L. Bakun/Lapui)	Iblis III
	Susa II	Init./E. Banesh	?	GAP	
3500	Acro 17-17X	E.M. Banesh	?		Iblis IV
3000	Susa III	L.M. Banesh	?	Yahya IVC (LM. Banesh)	

شکل ۲۴. تعیین موقعیت زمانی نسبی نخستین دهکده‌های خلیج فارس در جدول گاهنگاری جنوب ایران.

چندان محکم نیست، بنابراین حمل آنها از گذرگاه‌ها و درّه‌های کوهستانی صعب‌العبور غیر محتمل بوده و تاکنون مسئله صدور آنها روشن نشده است.^{۷۲} تفاوت ظریفی که در این زمینه باید به اشاره کرد، اینکه مدارکی از اثر مهر و مهر و موم کردن در چند محوطه فارس به دست آمده است.^{۷۳} همان گونه که پیش‌تر گفتیم، دو نمونه مهر در تل پیر کشف شده که هر دو به مهرهای کشف‌شده از محوطه تل باکون الف شبیه است (شکل ۱۳)، درواقع همان مهرهایی که علیزاده درباره اثر آنها و ارتباط آن با جوامع پیچیده پیش از تشکیل دولت در محوطه تل باکون بحث می‌کند.^{۷۴} همچنین، مهرهای مشابهی از محوطه ده‌بید به دست آمده که در شمالی‌ترین سرحدات منطقه توزیع و پخش سفال منقوش نخودی باکون واقع است.^{۷۵} مهم این است که همه این مهرها از دوره سکونتی باکون جدید از این محوطه‌ها به دست آمده و این موضوع گاهنگاری فرضی محوطه تل پیر را تقویت می‌کند. بر خلاف آنچه در خصوص نقل و انتقال اشیاء و ظروف تولیدشده

۷۲. مارگریت کول روت در ارتباط با وجود بن‌مایه‌ها و نقش‌های بصری مشهود در تزئین سفال‌های منقوش و هم وجود این نوع نقش‌های مشابه در مهرهای ایران به موقعیت جغرافیایی محوطه‌های باستانی اشاره دارد که این نوع محوطه‌ها در محل تقاطع شبکه راه‌های منطقه‌ای واقع بوده‌اند (Roots 2005:9).

73. Langsdorf and McCown 1942: Plates 8, 82; Alizadeh 1988, 2006.

74. Stein 1934: 349; Alizadeh 2006: 44.

75. Forest 1989; Alizadeh 2006: 23, 26; Weeks et al. in press

مطرح کردیم، اشاعهٔ مواد تولیدی و سبک ساخت ظروف امکان‌پذیر است. این انتقال و جابه‌جایی احتمالی به چند شکل ممکن است اتفاق افتاده باشد: در خصوص سفال، سفالگران سیار ممکن بوده در مسیر حرکت بخشی از نقش‌مایه‌های مشابه را در مناطق گوناگون با خود برده و انتقال داده باشند. همچنین، احتمال دارد در چارچوب سنت ازدواج برون‌همسری بین یک روستا و روستاهای دیگر مناطق این فرهنگ جابه‌جا و منتقل شده باشد؛^{۷۶} ازدواجی که به احتمال در نتیجهٔ آن زن به منطقهٔ دیگر فرستاده می‌شده و دانش فنی، سنت شفاهی و سبک نقش‌مایه‌های تزئینی مخصوص را همراه خود می‌برده است. با وجود همهٔ این احتمالات، همچنان مدارک مستدل و منسجم نقل و انتقال نظیر مواد آلی و ارگانیک قابل استفاده برای آزمایش ایزوتوپ و کربن از گورها به دست نیامده تا این انتقالات و جابه‌جایی‌ها روشن شود. در صورتی که پراکنش نقش‌مایه‌های تزئینی نشان‌دهندهٔ جابه‌جایی افراد جوامع انسانی در مناطق گوناگون باشد، این مطلب جالب توجه است که در حالی که سفال‌های ده‌بید، تل نخودی و تل پیر مشابهت زیادی با سفال‌های تل باکون الف دارد و حتی فرضیهٔ معاصر بودن آنها با مراحل استقرار متأخر باکون الف مطرح است، نقش‌مایه‌های تل پیر با نقوش استفاده شده در ده‌بید و تل نخودی شبیه نیست. در این زمینه، نخستین موضوعی که به ذهن خطور می‌کند، این است که احتمالاً

76. Alizadeh 2003: Fig. 7.1, 2006: Fig. 5.b.

عناصری مشخص از سنت‌های منطقه‌ای وجود داشته که برای نقش‌مایه‌های سنتی باکون متأخر در حوزه‌ای وسیع‌تر قابل تعریف است و تل باکون الف، مکانی برای تلاقی دو سنت منطقه‌ای بوده است. تفاوت شاخص در مورد تمایز این سنت‌ها حجم، ابعاد و اندازه مجموعه سفال‌های کشف‌شده از هر محوطه است که به هم شبیه هستند. تل پیر، تل ریگی، تل نخودی، و ده‌بید از جمله محوطه‌هایی است که کاوش‌های باستان‌شناختی در مقیاس خیلی کوچک در آنها انجام شده و در تمام این محوطه‌ها حجمی از تگه‌سفال و کمتر ظرف سفالی کامل به دست آمده است. به‌عکس، تل باکون الف حداقل طی پنج فصل کاوش شده و بخش عمده‌ای از آن آشکار شده و از این محوطه شمار زیادی ظرف کامل و نیمه‌کامل به دست آمده است. برای مثال، در نمونه ظروف تل باکون الف تأکید بر تنوع نقش‌مایه‌های تزئینی است که در این محل استفاده شده است. کم‌وبیش در تمام مجموعه ظروف سفالی تل باکون، تنوع و تمایز نقش‌مایه‌ها بارز بوده و الگوهای متنوعی وجود داشته که سبک و طرح آنها را می‌توان به طور مشخص تعریف کرد. بنابراین باید گفت که به‌سختی می‌توان فرضیه‌ای در مورد تمایزات شاخص در پراکنش نقش‌مایه‌های دوره باکون الف در محوطه‌های گوناگون تعریف کرد؛ تا زمانی که، در چارچوب طرحی کلی‌نگر، پراکنش طرح نقش‌مایه‌های این دوره در تمام محوطه‌های شناخته‌شده بررسی شود.

در حالی این مدارک برای طرح احتمال وجود سنت متمایز منطقه‌ای برای تزئین سفال عرضه می‌شود، که فرضیه مستدل‌علیزاده

در خصوص نقش کلیدی عشایر کوچ‌رو در توسعه جوامع پیچیده، پیش از تشکیل حکومت، در مناطق مرتفع اواخر هزاره پنجم پیش از میلاد مطرح است. این فرضیه براساس طیفی از مدارک طرح شده، که وی آنها را بقایای استقرارگاه‌های فصلی می‌پندارد، یعنی وجود فنون اداری در محوطه تل باکون الف و مشابه بودن پراکنش جغرافیایی سفال‌ها با پراکنش جغرافیایی سفال‌هایی که به اصطلاح سفال نخودی منقوش باکون الف در فارس نامیده می‌شود و مقایسه این مدارک با اسناد تاریخی و قوم‌نگاشتی مربوط به مسیرهای کوچ ایلات خمسه و قشقای. این موارد از جمله مستندات وی برای عرضه کردن فرضیه تأثیر عشایر بر پخش و توزیع نقش‌مایه‌های سفال دوره باکون الف در فارس است^{۷۷} (شکل ۳). اما به دلایلی مرتبط دانستن این فرضیه به طور مستقیم با تل پیر و به‌ویژه مطرح کردن بحث چگونگی گنش و تعامل ساکنان این محوطه با گروه‌های انسانی سایر مناطق باعث بروز مشکلاتی می‌شود. علیزاده نقشه‌ای برای پراکنش سفال دوره باکون الف تدوین و در آن مشخص کرده است که سفال‌های مشابه دوره باکون الف در امتداد منطقه‌ای وسیع در جنوب و جنوب غرب ایران چگونه توزیع شده است.^{۷۸} با اینکه از جنبه‌هایی مطرح کردن پراکنش مواد فرهنگی این دوره و گستردگی آنها حتی در مناطق خالی از سکنه

77. Alizadeh 2003: Fig. 7.1, 2006: Fig. 5.b.

78. Alizadeh 2003: Fig. 7.1, 2006: Fig. 5.b.

اغواکننده به نظر می‌رسد، در بررسی دقیق‌تر مشخص می‌شود که پراکنش واقعی سفال‌های نخودی منقوش تا حد زیادی به چگونگی ساختار جغرافیایی زاگرس وابسته شده است، بدین شکل که، همان‌گونه که در شکل ۱ و ۴ دیده می‌شود،^{۷۹} محوطه‌ها فقط در دشت‌های کوهستانی نمایش داده شده و مناطق شاخص فقط در سرتاسر زاگرس مشخص شده است. در مورد تل پیر نیز بالقوه مشکلاتی در زمینه تطبیق و همپوشانی سفال‌های دوره باکون با منطقه، به‌ویژه در مناطق بالاتری که امروزه محل سفرهای فصلی عشایر قشقای است، و ماه‌های متفاوت زمان کوچ عشایر وجود دارد. از ظواهر امر چنین به نظر می‌رسد که گروه‌هایی نظیر عشایر خمسه و قشقای در منطقه وسیعی از گرمسیرات فارس اتراق می‌کنند و به مناطق ساحلی و دشت‌های نزدیک به ساحل مانند دشت گله‌دار نمی‌روند.^{۸۰} این موضوع را می‌توان از توصیف‌های اشتاین هم استنباط کرد. وی وضعیت کشمکش‌ها و درگیری ساکنان مناطق ساحلی و کرانه‌ای را با ساکنان دشت‌های همجوار توضیح داده و نظر خود را در این باره آورده که چرا از بخش‌های شمال و شمال غربی دشت گله‌دار برای چرای نامنظم زمستانی دام‌های عشایر قشقای استفاده می‌شود، اما از بخش‌های مرکزی و شرقی این دشت هیچ استفاده‌ای نمی‌شود.^{۸۱}

79. Sunderland 1968: Fig. 151; Beck 2003: 28.1-28.2.

80. Stein 1934: 134; 1937: 216, 228, 232.

81. Stein 1934: 134; 1937: 216, 228, 232.

حداقل در دهه‌های اخیر این موضوع روشن و مسجّل شده که دشت گله‌دار نه بخشی از منطقه ساحلی محسوب می‌شده و نه منطقه‌ای که عشایر کوچ‌رو بتوانند از آن بهره‌برداری کنند. بنابراین آنچه حداقل در مورد دشت گله‌دار مصداق پیدا می‌کند این است که مقایسه مستقیم سفال‌های نخودی منقوش باکون، پراکنش جغرافیایی آن‌ها، بهره‌برداری عشایر کوچ‌رو از آن‌ها و تأثیر عشایر در توزیع و همپوشانی آن‌ها در قالب طرح فرضیه انتقال و اشاعه سفال باکون الف را برای این منطقه نمی‌توان مطرح کرد، لذا الگوی پیشنهاد شده در فرضیه ارزشمند جوامع کوچ‌رو علیزاده در مورد دشت گله‌دار کاربرد ندارد و به احتمال شرایط اقتصادی و اجتماعی متفاوتی طی هزاره پنجم پیش از میلاد در دشت گله‌دار حاکم بوده و لازم است برای پیشنهاد هر فرضیه‌ای به این شرایط متفاوت توجه شود.

تحلیل و نتیجه

حال با مواردی که برشمردیم این سؤال مطرح می‌شود که چه ابهاماتی در مورد تل پیر و سایر محوطه‌های دشت گله‌دار و دشت‌های مجاور آن در هزاره پنجم پیش از میلاد وجود داشته که لازم است برای روشن کردن آن‌ها تلاش کنیم. به نظر می‌رسد همه صاحب‌نظران در این مورد اتفاق نظر دارند که مجموعه‌ای از سکونتگاه‌های به نسبت توسعه‌یافته طی هزاره پنجم پیش از میلاد در دشت گله‌دار تا حوزه لامرد وجود داشته است، اما مسئله حائز اهمیت این است که این

محوطه‌ها بسیار دور و جدا از هم بوده‌اند و شرایط آب‌وهوایی این منطقه نیز با سایر مناطق به‌ویژه سکونتگاه‌های هزاره پنجم پیش از میلاد در دشت‌های میان‌کوهی جنوب و جنوب غرب ایران متفاوت بوده است. بنابراین به نظر می‌رسد که این موضوع معیار مهمی برای شناخت چگونگی استقرارگاه‌های هزاره پنجم پیش از میلاد در دشت گله‌دار در اختیار می‌گذارد. به نظر می‌رسد دشت گله‌دار، به رغم مجاورت با ساحل دریا، دارای شرایط زیستی مناسب و خاک حاصلخیز بوده و به همین دلیل به احتمال طی هزاره پنجم پیش از میلاد در این دشت روستاهایی وجود داشته که ساکنان آن‌ها کشاورز بوده‌اند. همچنین به نظر می‌رسد شرایط زیستی این دشت به گونه‌ای بوده که کشاورزی در آن دشوارتر از کشاورزی در دشت‌های بالاتر انجام می‌شده؛ ولی، با وجود این، شرایط زیستی بخش‌هایی از این منطقه به‌ویژه در محدوده استقرارهای هزاره پنجم پیش از میلاد در این دشت برای شکل‌گیری معدودی سکونتگاه کافی بوده است. در عین حال به نظر می‌رسد شیوه‌های کشاورزی و مدیریت منابع آب در هزاره پنجم پیش از میلاد در این دشت در انطباق کامل با شرایط زیستی منطقه بوده است. هر چند برای شناخت دقیق چگونگی استفاده از منابع آب و انطباق کشاورزی با شرایط محدود زیستی این منطقه لازم است علاوه بر بررسی‌های روشمند، کاوش‌های باستان‌شناختی هدفمند نیز در این زمینه انجام شود. برای درک شرایط آب‌وهوایی هزاره پنجم پیش از میلاد دشت گله‌دار و لامرد و مناطق ساحلی نیز بررسی‌های

زمین باستان‌شناختی و آب‌وهواشناختی کهن لازم است. نقش جوامع کوچ‌رو در سازماندهی و تکوین منابع زیستی کشاورزان به احتمال نقش عمده‌ای بوده، اما امروزه در خصوص دامنه و طیف عملکرد جوامع کوچ‌رو و چگونگی گُنش و تعامل آنها با جوامع یکجانشین دشت گله‌دار اطلاعی در دست نیست.

مهم این است که با بررسی تل پیر و سایر محوطه‌های این دشت، چگونگی پراکنش سفال‌های نخودی منقوش هزاره پنجم پیش از میلاد به درستی درک می‌شود و در مفهومی جامع‌تر درک ما از تحولات این دوره در حوزه خاورمیانه توسعه می‌یابد. اکنون دامنه جغرافیایی پراکنش سفال‌های منقوش نخودی‌رنگ در حوزه‌های وسیع‌تر روزه‌روز بیشتر مشخص می‌شود و این موضوع نشان می‌دهد که برای شناخت و تفسیر گُنش‌های منطقه‌ای جوامع و ساختارهای سیاسی-اجتماعی فرامنطقه‌ای هزاره پنجم پیش از میلاد لازم است فرضیه‌هایی نو در این زمینه پیشنهاد شود. مدارکی روشن در مورد مجموعه سفال‌های کشف‌شده از محوطه تل پیر و دو مهر از این محوطه وجود دارد، که نشان می‌دهد ساکنان منطقه طی هزاره پنجم پیش از میلاد نه تنها در انزوا نبوده‌اند بلکه با ساکنان دشت‌های بالاتر در فارس، بوشهر و حتی شوش ارتباط داشته‌اند. سفال‌ها و مهرهای تل پیر شباهت‌های زیادی به سفال‌های محوطه‌های حوضه رود گر در مرودشت دارند، علاوه بر این به سفال‌هایی از بوشهر شبیه‌اند و سفال‌های بوشهر هم با سفال‌های شوش قرابت و شباهت دارند. همه این مواردی که برشمردیم، نشان‌دهنده

پویایی عملکردهای زیستی ساکنان هزاره پنجم پیش از میلاد در دشت گله‌دار و حوضه خلیج فارس است و نشان می‌دهد که گنش‌ها و تعاملات ساکنان این دشت با ساکنان دیگر مناطق به‌واقع چشمگیر بوده و برای مشخص کردن جزئیات این تعاملات و یافتن پاسخ پرسش‌های بی‌شمار در این زمینه پژوهش‌های بیشتر مورد نیاز است. کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناختی نو در تل پیر با چشم‌انداز شناخت بافت زیست‌محیطی، رژیم‌های غذایی، اقتصاد و سازمان اجتماعی تل پیر و به‌ویژه شناخت سازمان تولید محصولات غذایی، دستی و خانگی منطقه گامی مهم در این زمینه خواهد بود. این پژوهش لازم است در چارچوب برنامه کلان شناخت جوامع هزاره پنجم پیش از میلاد ایران سازماندهی شود. شناخت این دوره در دشت گله‌دار و مناطق ساحلی به‌ویژه از این رو اهمیت دارد، که مسیر پژوهش‌های آینده را در زمینه چگونگی شکل‌گیری و ظهور نخستین جوامع روستایی در کرانه‌های خلیج فارس طی هزاره پنجم پیش از میلاد روشن خواهد کرد و البته شناخت این دوره از این نظر اهمیت بیشتری دارد که تحولات هزاره پنجم پیش از میلاد در ایران، مقدمه و سرآغاز شکل‌گیری تحولات اقتصادی و اجتماعی هزاره چهارم پیش از میلاد است که به شکل‌گیری و ظهور شهرنشینی و پیدایش دولت در ایران منجر شد.

منابع

- Abdi, K., 2003, "The Early Development of Pastoralism in the Central Zagros Mountains", *Journal of World Prehistory* 17.4: 395-448.
- Abdi, K., S. Pollock and R. Bernbeck, 2003, "Fars Archaeology Project 2003: Excavations at Toll-e Bashi", *Iran* 41: 339-344.
- Alizadeh, A., 1988, "Socio-Economic Complexity in Southwestern Iran during the Fifth and Fourth Millennia BC: The Evidence from Tall-e Bakun A", *Iran* 26: 17-34.
- Alizadeh, A., 1988, "Mobile Pastoralism and the Development of Complex Societies in Highland Iran: The Evidence from Tall-i Bakun A", PhD., University of Chicago, Chicago.
- Alizadeh, A., 1992, "Prehistoric Settlement Patterns and Cultures in Susiana, Southwestern Iran: The Analysis of the F.G.L. Gremliza Survey Collection", Museum of Anthropology Technical Reports 24, University of Michigan, Ann Arbor.
- Alizadeh, A., 1994, "Administrative Technology and Socio-Economic Complexity at the Prehistoric Site of Tall-e Bakun A, Iran", In *Archives before Writing: Proceedings of the International Colloquium, Oriolo Romano, October 23-25, 1991*, (Eds. P. Ferioli, E. Fiandra, G. Fissore and

- M. Frangipane), Ministero per i beni culturali e ambientali, Ufficio centrale per i beni archivistici, Torino: 35-55.
- Alizadeh, A., 2003, "Some Observations Based on the Nomadic Character of Fars Prehistoric Cultural Development", In *Yeki bud, yeki nabud: Essays on the Archaeology of Iran in Honor of William M. Sumner*, (Eds. N.F. Miller and K. Abdi), The Cotsen Institute of Archaeology, University of California, Los Angeles: 83-97.
- Alizadeh, A., 2004, "Recent Archaeological Investigations on the Persepolis Plain", *The Oriental Institute News and Notes* 183: 1-7.
- Alizadeh, A., M. Zeidi, A. Askari Chaverdi, L. Niakan and A. Atabaki, 2004, "Iranian Prehistoric Project: Excavations at Tall-e Bakun A and B, Jari A and B, and Mushki: Reconstruction of the Prehistoric Environment in Marv Dasht", *Oriental Institute Annual Report 2003-2004*: 94-105.
- Alizadeh, A., 2006, *The Origins of State Organizations in Prehistoric Highland Fars, Southern Iran: Excavations at Tall-e Bakun*, Oriental Institute Publications v. 128, Chicago.
- Askari Chaverdi, A. and M. Azarnoush, 2004, "Archaeological Survey in the Hinterland of Persian Gulf: Lamerd and Mohr District, Fars", *Iranian Journal of Archaeology and History*, 18.2: 3- 18.
- Askari Chaverdi, A., 2001, "Fars after Darius III: New Evidence from Lamerd District", *Iranian Journal of Archaeology and History*, 13/14.1/2: 66- 77.
- Beale, T.W., 1986, *Excavations at Tepe Yahya, Iran 1967-1976: The Early Periods*, American School of Prehistoric Research Bulletin, Volume 38, Peabody Museum of Archaeology and Ethnology, Cambridge.
- Beck, L., 2003, "Qashqa'i Nomadic Pastoralists and Their Use of Land", In *Yeki bud, yeki nabud: Essays on the Archaeology of Iran in Honor of William M. Sumner*, (Eds. N.F. Miller and K. Abdi), Cotsen Institute of Archaeology, University of California, Los Angeles: 289-304.
- Bernbeck, R., 1992, "Migratory Patterns in Early Nomadism: A

- Reconsideration of Tepe Tula'i", *Paleorient* 18.1: 77-88.
- Bernbeck, R., S. Pollock and K. Abdi, 2004, "Reconsidering the Neolithic at Toll-e Bashi (Iran)", *Near Eastern Archaeology* 66: 76-78.
- Bernbeck R., H. Fazeli and S. Pollock, 2005, "Life in a Fifth Millennium BCE Village: Excavations at Rahmatabad, Iran", *Near Eastern Archaeology* 68.3: 94-105.
- Bobek, H., 1968, "Vegetation", In *The Cambridge History of Iran*, (Ed. W.B. Fisher), Volume 1: The Land of Iran, Cambridge University Press, Cambridge: 280-293.
- Bowen-Jones, H., 1968, "Agriculture", In *The Cambridge History of Iran*, (Ed. W.B. Fisher), Volume 1: The Land of Iran, Cambridge University Press, Cambridge: 565-598.
- Caldwell, J.R. (ed.), 1967, "Investigations at Tal-i-Iblis", Illinois State Museum Society for the Illinois State Museum, Springfield.
- Carter R.A., K. Challis, S.M.N. Priestman and H. Tofighian, 2006, "The Bushehr Hinterland: Results of the First Season of the Iranian-British Archaeological Survey of Bushehr Province, November-December 2004", *Iran* 44: 63-103.
- Dewan, M.L. and J. Famouri, 1968, "Soils", In *The Cambridge History of Iran*, (Ed. W.B. Fisher), Volume 1: The Land of Iran, Cambridge University Press, Cambridge: 250-263.
- Egami, N. and S. Masuda, 1962, *Marv-Dasht I: The Excavation at Tal-i-Bakun 1956*, Tokyo University Iraq-Iran Archaeological Expedition Reports, 2, Institute of Oriental Culture of the University of Tokyo, Tokyo.
- Egami, N., S. Masuda and T. Gotoh, 1977, "Tal-i Jarri A: A Preliminary Report of the Excavations in Marv Dasht, 1961 and 1971", *Orient* 8: 1-14.
- Egami, N. and T. Sono, 1962, *Marv-Dasht II: The Excavation at Tall-i-Gap 1959*, Tokyo University Iraq-Iran Archaeological Expedition Reports, 3,

- Institute of Oriental Culture of the University of Tokyo, Tokyo.
- Fisher, W.B., 1968, "Physical Geography", In *The Cambridge History of Iran*, (Ed. W.B. Fisher), Volume 1: The Land of Iran, Cambridge University Press, Cambridge: 3-110.
- Forest, J-D., 1989, "Les »jetons« non Urukiens et l'échange des femmes", In *Upon this Foundation - the 'Ubaid Reconsidered*, (Eds. E.F. Henrickson and I. Thuesen), Museum Tusculanum Press, Copenhagen: 199-226.
- Fraser, J., 2003, "Tall-i Bakun A Reconsidered", Unpublished BA Honours Dissertation, University of Sydney.
- Frifelt, K., 1989, " 'Ubaid in the Gulf Area", In *Upon this Foundation - the 'Ubaid Reconsidered*, (Eds. E.F. Henrickson and I. Thuesen), Museum Tusculanum Press, Copenhagen: 405-417.
- Ganji, M.H., 1968, "Climate", In *The Cambridge History of Iran*, (Ed. W.B. Fisher), Volume 1: The Land of Iran, Cambridge University Press, Cambridge: 212-249.
- Goff, C., 1963, "Excavations at Tall-i Nokhodi", *Iran* 1: 43-70.
- Goff, C., 1964, "Excavations at Tall-i Nokhodi", 1962, *Iran* 2: 41-52.
- Helwing, B. and M. Seyedin, 2006, "Prehistoric Settlements in Bulaghi Valley: Iranian/German Rescue Excavations at sites DB91 and DB119", *Abstracts: Symposium on the Archaeological Rescue Excavations in the Bolaghi Valley*, Iranian Center for Archaeological Research, Tehran: 13-17.
- Helwing, B. and M. Seyedin, 2007, "Prehistoric Settlements in Bulaghi Valley: Iranian/German Rescue Excavations at sites DB91, DB119, DB73 and DB131", *Abstracts: Symposium on the Latest Results of Archaeological Excavations at Tang-e Bolaghi*, Iranian Center for Archaeological Research, Tehran: 12-13.
- Henrickson, E.F. and I. Thuesen (Eds.), 1989, *Upon this Foundation-the 'Ubaid Reconsidered*, Museum Tusculanum Press, Copenhagen.

- Herzfeld, E., 1929, "Prehistoric Persia I. A Neolithic Settlement at Persepolis Remarkable New Discoveries", *Illustrated London News* 85: 892-893.
- Herzfeld, E., 1932, *Iranische Denkmäler IA: Persepolis*, Lieferung 1-2, Dietrich Reimer Verlag, Berlin.
- Hole, F., 1974, "Tepe Tūlā'ī: an Early Campsite in Khuzistan, Iran", *Paleorient* 2.2: 219-237.
- Hole, F., 2004, "Campsites of the Seasonally Mobile in Western Iran", In *From Handaxe to Khan: Essays Presented to Peder Mortensen on the Occasion of his 70th Birthday*, (Eds. K.V. Folsach, H. Thrane and I. Thuesen), Aarhus University Press, Aarhus: 67-85.
- Kole, J.E., 1980, "Bakun Settlement Patterns", In *Problems of Large Scale, Multi-disciplinary Regional Archaeological Research: The Malayan Project*, (Ed. W.M. Sumner), Symposium at the Annual Meeting of the Society for American Archaeology, Ohio: 83-88.
- Langsdorff, A. and D. McCown, 1942, *Tall-i Bakun A, A Season of 1932*, Oriental Institute Publication 59, Chicago: Oriental Institute.
- Mashkour, M., 2006, "Faunal Remains from Tol-e Nurabad and Tol-e Spid", in D.T. Potts and K. Roustaei (eds), *The Mamasani Archaeological Project Stage One: A report on the first two seasons of the ICAR – University of Sydney Joint Expedition to the Mamasani District, Fars Province, Iran*, Iranian Center for Archaeological Research, Tehran: 135-146.
- Mashkour, M., with A. Mohaseb and K. Debue, 2006, "Towards a Specialised Subsistence Economy in the Marv Dasht Plain: Preliminary Zooarchaeological Analysis of Tall-e Mushki, Tall-e Jari A and B, and Tall-e Bakun A and B", In A. Alizadeh, *The Origins of State Organizations in Prehistoric Highland Fars, Southern Iran, Excavations at Tall-e Bakun*, OIP, Chicago: 101-105.
- Miller, N.F. and M. Kimiaie, 2006, "Some Plant Remains from the 2004

- Excavations of Tall-e Mushki, Tall-e Jari A and B, and Tall-e Bakun A and B”, In Alizadeh, A. *The Origins of State Organizations in Prehistoric Highland Fars, Southern Iran, Excavations at Tall-e Bakun*, OIP, Chicago: 107-118.
- Oates, J., T.E. Davidson, D. Kamilli and H. McKerrel, 1977, “Seafaring merchants of Ur?”, *Antiquity* LI: 221-234.
- Oates, J., 1983, “‘Ubaid Mesopotamia reconsidered”, In T.C. Young, P.E.L. Smith and P. Mortenson (eds). *The Hilly Flanks: Essays on the Prehistory of Southwestern Asia Presented to Robert Braidwood, November 15th, 1982*, Studies in Ancient Oriental Civilisation 36, Oriental Insitute, Chicago: 251-281.
- Pires-Ferreira, J.W., 1977, “Tepe Tula’i: Faunal Remains from an Early Campsite in Khuzistan, Iran”, *Paleorient* 3: 275-280.
- Pollock, S., R. Bernbeck and K. Abdi (eds), in press, *Toll-e Bashi 2003*.
- Potts, D.T., 2008 [Review of A. Alizadeh, 2006], “The Origins of State Organizations in Prehistoric Highland Fars, Southern Iran: Excavations at Tall-e Bakun”, Oriental Institute Publications v. 128, Chicago. *Bibliotheca Orientalis* LXV.1-2: 195-206.
- Potts, D.T., K. Roustaei, L.R. Weeks and C.A. Petrie, 2006, “The Mamasani District and the Archaeology of Southwestern Iran”, in D.T. Potts and K. Roustaei (eds), *The Mamasani Archaeological Project Stage One: A report on the first two seasons of the ICAR – University of Sydney Joint Expedition to the Mamasani District, Fars Province, Iran*, Iranian Center for Archaeological Research, Tehran: 1-16.
- Priestman, S.M.N., 2003, “The Williamson Collection Project: Sasanian and Islamic Survey Ceramics from Southern Iran”, *Current Research, Iran* 41: 345-348.
- Priestman, S.M.N., 2004, “Leave no Stone Unturned: Stein and Williamson’s Surveys Compared”, In H. Wang (ed.). *Sir Aurel Stein: Proceedings of the*

- British Museum Study Day 2002*, British Museum Occasional Paper Number 42, British Museum, London: 29-35.
- Priestman, S.M.N. and D. Kennet, 2002, "The Williamson Collection Project: Sasanian and Islamic Survey Pottery from Southern Iran", *Iran* 40: 265-267.
- Root, M.C., 2005, "This Fertile Land", In M.C. Root (ed.). *This Fertile Land: Signs + Symbols in the Early Arts of Iran and Iraq*, Kelsey Museum Publications, Ann Arbor: 3-12.
- Schmidt, E.F., 1937, "Tol-e-Bakun: Prehistoric Mound Near Persepolis", *University of Pennsylvania Museum Bulletin* 7.1: 27-28.
- Schmidt, E.F., 1939, "Tall-i Bakun, In The Treasury of Persepolis and Other Discoveries in the Homeland of the Achaemenians", *Oriental Institute Communications* No. 21, University of Chicago Press, Chicago: 121-129.
- Stein, M.A., 1934, "Archaeological Reconnaissances in Southern Persia", *The Geographical Journal* 83.2: 119-134.
- Stein, M.A., 1935, "An Archaeological of Ancient Persis", *The Geographical Journal* 86.6: 489-497.
- Stein, M.A., 1936, "An Archaeological Tour in the Ancient Persis", *Iraq* 3: 179-225.
- Stein, M.A., 1937, *Archaeological Reconnaissances in North-Western India and South-Eastern Iran*, Macmillan and Sons, London.
- Sumner, W.M., 1972, *Cultural Development in the Kur River Basin, Iran: an archaeological analysis of settlement patterns*, Unpublished PhD, Pennsylvania.
- Sumner, W.M., 1977, "Early Settlements in Fars Province, Iran", In *Mountain and Lowlands: Essays in the Archaeology of Greater Mesopotamia*, L.D. Levine and T. Young Jr. (eds.), Malibu (CA): Undena Publications: 291-306.
- Sumner, W.M., 1990, "Full-Coverage Regional Archaeological Survey in the

- Near East: An Example from Iran”, In *The Archaeology of Regions: A case for Full-Coverage Survey*, (Eds. S.K. Fish and S.A. Kowalewski), Smithsonian Series in Archaeological Inquiry, Smithsonian Institution Press, Washington D.C.: 87-115.
- Sumner, W.M., 1994, “The Evolution of Tribal Society in the Southern Zagros Mountains, Iran”, In *Chiefdoms and Early States in the Near East: the Organizational Dynamics of Complexity*, (Eds. G. Stein and M.S. Rothman), 18, Prehistory Press, Monographs in World Archaeology, Madison: 47-65.
- Sunderland, E., 1968, Pastoralism, Nomadism and Social Anthropology of Iran”, In *The Cambridge History of Iran*, (Ed. W.B. Fisher), Volume 1: The Land of Iran, Cambridge University Press, Cambridge: 611-683.
- Taylor, H., 2007, *The Stein Collection: Periodisation of Bakun Period Survey Material Collected by Sir Marc Aurel Stein in Highland Fars, Iran*, Unpublished M.A. Dissertation, Institute of Archaeology, UCL.
- Vanden Berghe, L., 1952, “Archaeologische Opzoekingen in de Marv Dasht Vlakte (Iran)”, *Jaarbericht Ex Orient Lux* 12: 211-220.
- Vanden Berghe, L., 1954, “Archaeologische navorsingen in de omstreken van Persepolis”, *Jaarbericht Ex Orient Lux* 13: 394-408.
- Voigt, M. and R.H.J. Dyson, 1992, “Chronology of Iran, ca. 8000-2000 B.C.”, In *Chronologies of Old World Archaeology*, (Ed. R.W. Ehrich), I & II, Chicago University Press, Chicago: 122-178; 125-153.
- Whitehouse, D. and A. Williamson, 1973, “Sasanian Maritime Trade”, *Iran* 11: 29-49.
- Weeks, L.R., K. Alizadeh, L. Niakan, K. Alamdari (Trench A), A. Khosrowzadeh and M. Zeidi (Trench B), 2006, “Excavations at Tol-e Nurabad”, in D.T. Potts and K. Roustaei (eds), *The Mamasani Archaeological Project Stage One: A report on the first two seasons of the ICAR – University of Sydney Joint Expedition to the Mamasani District*,

- Fars Province, Iran*, Iranian Center for Archaeological Research, Tehran: 31-88.
- Weeks, L., C.A. Petrie and D.T. Potts, in press, “‘Ubaid-related-related? The ‘Black-on-Buff’ Ceramic Traditions of Highland Southwest Iran”, in R.A. Carter and G. Philip (eds), *The Ubaid and Beyond: exploring the transmission of culture in the developed prehistoric societies of the Middle East*. Proceedings of the International Conference on the Ubaid, Durham, 20-22 April 2006. Chicago, University of Chicago Oriental Institute Publications.
- Zagarell, A., 1982, *The Prehistory of the Northeast Bahtiyari Mountains, Iran: The Rise of a Highland Way of Life*, Beihefte zum Tubinger Atlas des Vorderen Orients, 42, Dr. Ludwig Reichert Verlag, Wiesbaden.
- Zeidi, M., B. McCall and A. Khosrowzadeh, 2006, “Survey of Dasht-e Rostam-e Yek and Dasht-e Rostam-e Do”, in D.T. Potts and K. Roustaei (eds), *The Mamasani Archaeological Project Stage One: A report on the first two seasons of the ICAR – University of Sydney Joint Expedition to the Mamasani District, Fars Province, Iran*, Iranian Center for Archaeological Research, Tehran: 147-168.

نمایه‌ها

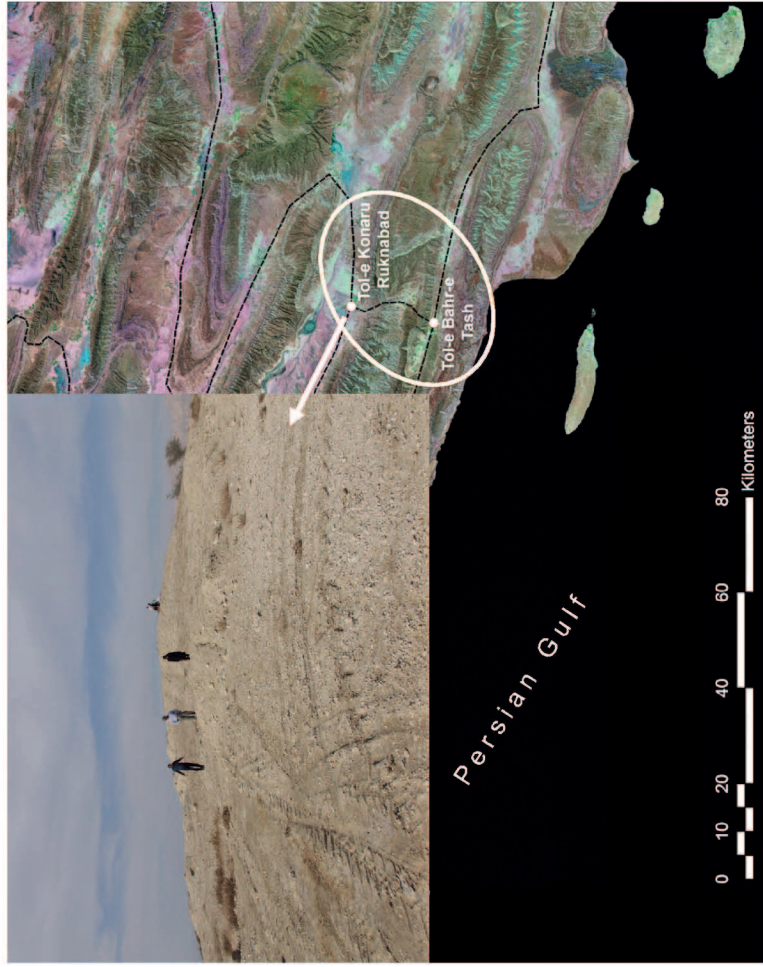
نمایهٔ مکان‌ها

آسیا ۳۳	پاسارگاد ۷۵	۷۸، ۷۹، ۸۱، ۸۲-۸۶
اسیر ۲۴، ۳۴	تخت جمشید ۱۳، ۴۱	۸۸، ۸۹
اشکنان ۵۴	۷۶، ۵۹	تل جری الف ۶۱
ایران ۹، ۱۰، ۲۷، ۲۹	تل ابلیس ۳۳	تل ریگی ۱۴، ۶۲، ۶۴-
۳۰، ۳۳، ۵۵، ۵۶، ۶۱	تل باکون ۱۳، ۴۴، ۶۵	۶۶، ۷۸، ۸۳
۶۳، ۷۰، ۸۰، ۸۱، ۸۴	۸۳، ۸۱	تل کُنارو ۵۱
۸۷، ۸۹	تل باکون الف ۳۳، ۴۴	تل گپ ۶۱، ۶۴، ۶۶، ۷۰
بمپور ۳۳	۵۹، ۶۱، ۶۲، ۶۴، ۶۶	تل نخودی ۶۱، ۸۲، ۸۳
بندر سیراف ۳۳	۶۷، ۷۸، ۷۹، ۸۱-۸۴	تُمب بُت ۵۰-۵۲، ۵۴
بندر عباس ۵۳، ۵۴	تُل بَحْرَتَش بهده ۵۱-	۶۳
بندر گاویندی ۵۰، ۵۱، ۵۴	۵۳، ۶۳	تُمب پُدو ۳۷، ۵۶
بوشهر ۲۸، ۲۹، ۵۳، ۶۰	تُل پیر ۱۰، ۲۴، ۳۳	تنگ بلاغی ۷۵، ۷۶، ۷۹
۶۸-۷۱، ۷۳، ۸۸	۳۶، ۳۷، ۳۹، ۴۰	تنگهٔ هرمز ۲۸، ۲۹
بهده ۵۱، ۵۳	۴۲-۴۴، ۴۸، ۵۰، ۵۱	تنگهٔ کُل خَرگ
بین‌النهرین ۷۰	۵۴-۶۰، ۶۲-۶۸، ۷۳	(تُل خَرگ) ۳۳

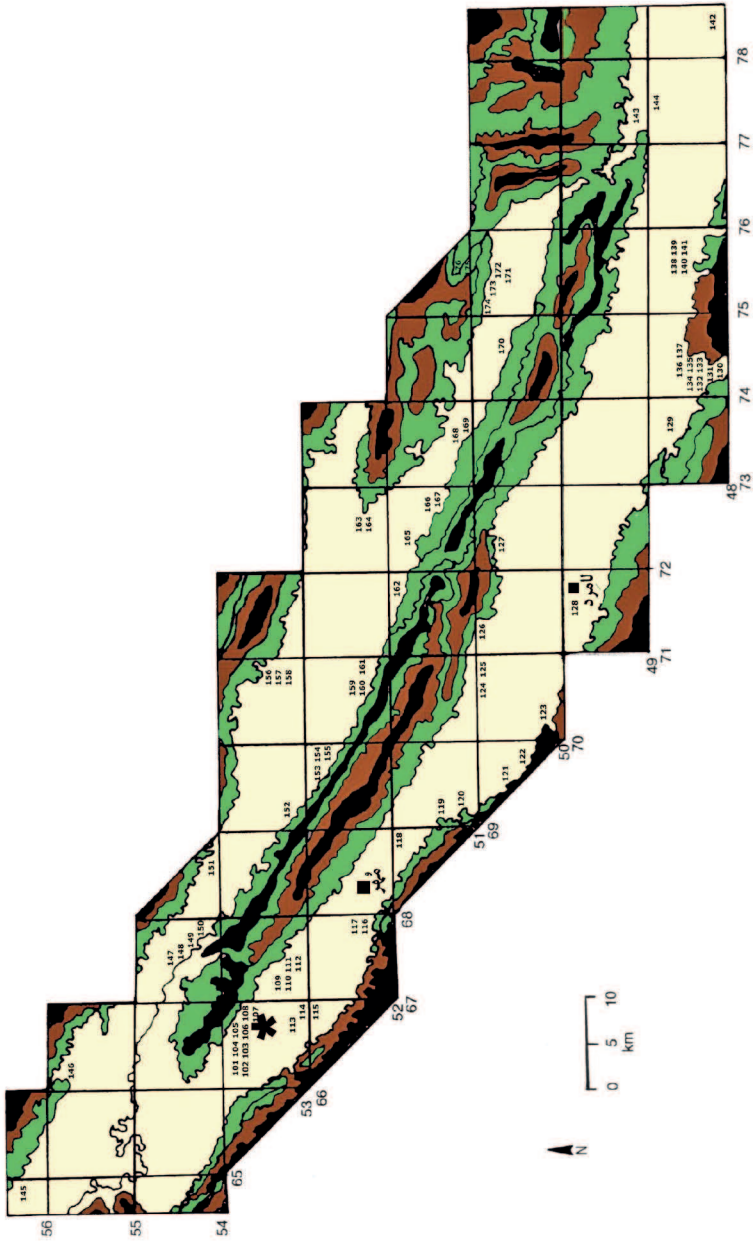
کوه‌های زاگرس مرکزی	روستای هِرج ۳۴، ۳۶،	جیرفت ۳۳
۱۹	۵۶، ۳۷	چاه حسینی ۳۳
گورستان ۳۸	سروستان ۶۰	چشمه آب لاورخشت
لار ۵۹	سیستان و بلوچستان	۵۱
لارستان ۳۳، ۳۴، ۶۸	۳۳	چغامیش ۷۰
لامرد ۱۰، ۳۱، ۳۵، ۴۴،	شاهمران ۶۰	خاورمیانه ۱۱، ۱۵، ۸۸
۴۵، ۵۱، ۵۴، ۶۷،	شوش ۸۸	خلیج فارس ۹-۱۱، ۲۲-
۸۶، ۸۷	شیبکوه ۲۴، ۵۱	۲۵، ۲۷-۳۴، ۳۷، ۴۶
لندن ۵۵، ۵۶	فارس ۱۰، ۱۳-۱۷، ۱۹-	۵۱، ۵۴، ۶۷-۷۰، ۷۳
مرودشت ۷۸، ۷۹، ۸۸	۲۴، ۲۸، ۴۰، ۴۳	۷۴، ۷۸، ۸۰، ۸۹
ممسنی ۶۰، ۷۵، ۷۸	۵۱، ۵۹-۶۱، ۶۵، ۶۸	خوراب ۳۳
موزه پیبودی هاروارد	۷۶، ۷۹، ۸۱، ۸۴، ۸۵	خوزستان ۷۰، ۷۳
۴۱، ۵۵، ۵۶	۸۸	داراب ۶۰
موزه لندن ۴۱، ۵۵، ۵۶	فسا ۶۰	دشت گله‌دار ۲۴
مهر ۱۰، ۱۸، ۳۱، ۳۵	فیروزآباد ۶۰، ۶۴، ۶۸	دشت گولشان ۶۹
۴۱، ۴۳-۴۵، ۵۴، ۵۵	۷۸	دولت‌آباد ۶۰
۶۷، ۸۱، ۸۸	فیروزآباد ۶۰، ۶۴، ۶۸	دهبید ۱۴، ۶۱، ۸۱-۸۳
میناب ۶۸	۷۸	رکن‌آباد ۶۳
وراوی ۵۴	کرمان ۱۶، ۳۳	رود گر ۱۴، ۱۷، ۱۹
هرمزگان ۳۳، ۵۱، ۵۳	کمال‌آباد ۶۴	۶۰، ۷۸، ۷۹، ۸۸
هلیل‌رود ۶۰	کنارصندل ۳۳	روستای گنارو ۵۱

نمایه اشخاص

کارتز، روبرت ۱۱، ۷۰	پیتری، کامرون ۱۱	اشتاین، اورل ۱۱، ۱۴
۷۱	تایلر، هلن ۱۱، ۶۱	۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۳-۴۴
کینت، درک ۱۱	دایسون ۶۱	۴۶، ۴۸، ۴۹، ۵۴-۶۰
ویلیامسون، آندرہ ۱۱	سامنر، ویلیام ۱۳، ۱۷	۶۴، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۷
۳۰، ۳۲، ۶۹	عبدی، کامیار ۱۸	۸۵
ویوگت ۶۱	علیزادہ، عباس ۱۴، ۱۹	پاتس، دانیل ۲۱، ۶۱
ہرتسفلد، ارنست ۴۱	۶۱، ۶۲، ۸۱، ۸۳، ۸۴	پریستمن، سیت ۱۱
۴۴، ۶۲، ۶۴	۸۶	پریکت، مارتا ۳۰، ۳۲، ۶۹



شناسایی محوطه‌های هزاره پنجم پیش از تاریخ در بررسی‌های نوین (عسکری ۱۳۸۶).



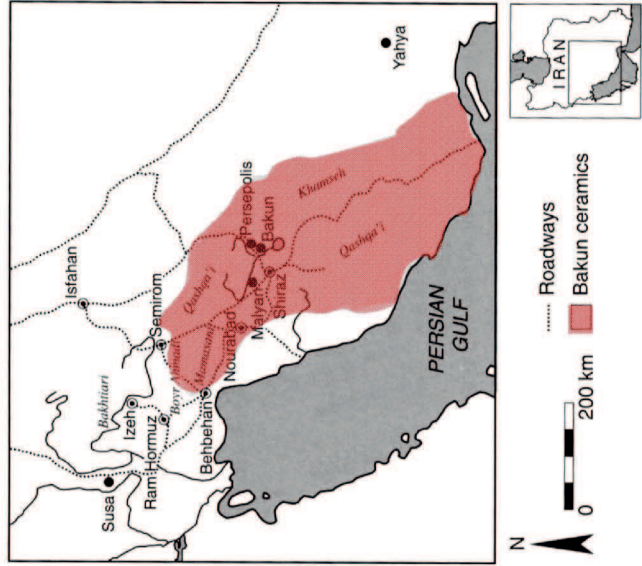
بررسی های باستان‌شناسی فراگیر منطقه لامرود و مهر ۱۳۸۶-۱۳۷۹ (عسکری چاوردی).



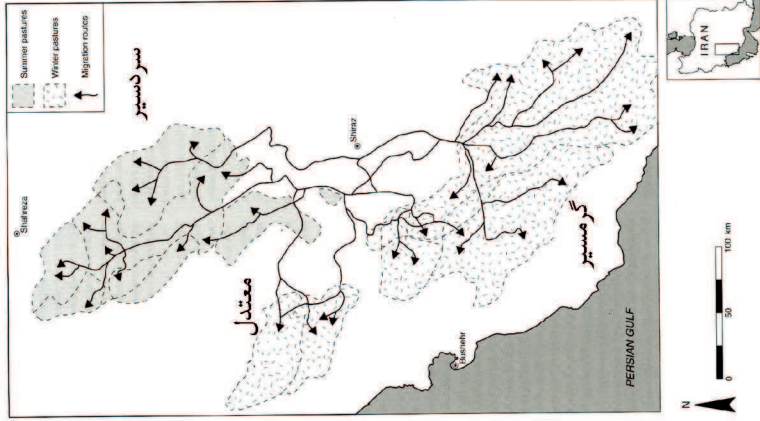
بررسی اشتاین در ساحل گاوپندی، سیراف و دشتهای پس کرانه‌ای گله‌دار، مَهر و لامرد.



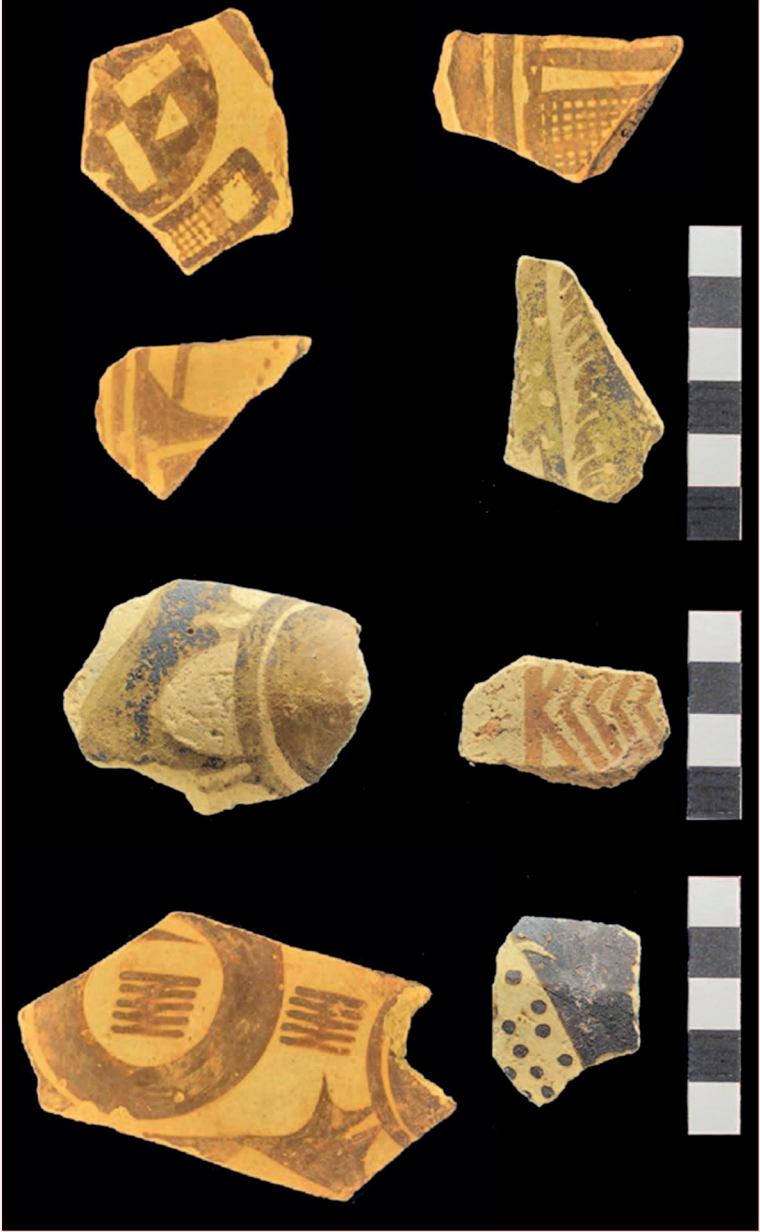
شکل‌گیری و ارتباط نخستین روستاهای پیش‌اتاریخ جنوب ایران در بستر طبیعی کوه‌های زاگرس و کرانه‌های خلیج فارس.



Ethnographic analogy:
nomadic pastoralists and the rise of
highland complexity (Alizadeh 2006)



فرضیه شکل گیری جوامع اولیه در ارتباط با مناطق سردسیر، گرمسیر و معتدل در فارس.



سفال‌های نخودی مرقومش هزاره پنجم پیش از تاریخ، فارس.



دهکده‌های نخستین، مفت‌هزار سال پیش (هزاره پنجم پیش از تاریخ) در فارس و کرمان.

تل پیر	تل بوکان الف	تل ریگی
		
		
		
		
		
		
		
		

جدول مقایسه‌ای سفال: نخستین دهکده‌های فارس: تل پیر، تل باکون و تل ریگی.

Abstract

Early Villages on the Persian Gulf

The archaeological site of Tol-e Pir is situated in the Galehdār Valley, in the south of Fars Province. The site was discovered by Sir M. Aurel Stein in 1933 and is the only prehistoric mound on or adjacent to the Iranian coast of the Persian Gulf that has been excavated. Ceramic material from the surface and excavations is similar to material from well dated sites in the highland Kur River Basin and indicate that the site was occupied during the 5th millennium BC. Tol-e Pir is thus critical for demarcating the distribution of Chalcolithic painted black-on-buff ceramics in southwest and south Iran, characterising the interaction between populations in different environmental zones during the 5th millennium BC, and also understanding the development of complexity in early village societies. This paper reviews the initial discovery and excavation of the site, presents the results of a recent survey of the mound, analyses the distinctive black-on-buff painted ceramics, introduces sites that have recently been discovered in the region, and delineates the broader environmental and archaeological contexts in Persian Gulf region.

Early Villages on the Persian Gulf

By:

Alireza Askari Chaverdi (Shiraz University)

Cameron Petrie (Cambridge University)

Helen Taylor (British Museum)

2013